

مزارع مسکون تاریخی در ایران از آغاز تا دوره صفویه

سید محمد بهشتی

عضو هیئت علمی مرکز آموزش عالی میراث فرهنگی

حسین راعی

پژوهشگر دوره دکتری دانشگاه هنر اصفهان

hoseinraie@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۴ / ۲ / ۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۵ / ۹ / ۱۱

چکیده

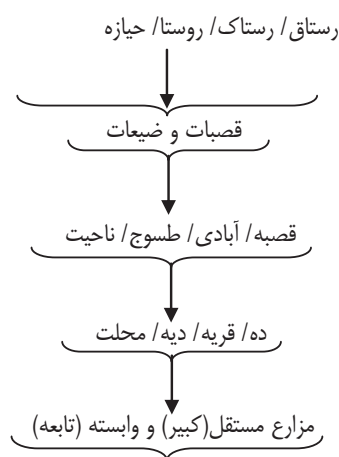
مزارع مسکون به عنوان گونه‌ای اثرگذار و اثرپذیر از عوامل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی دوره‌های مختلف، مجتمعی زیستی و معیشتی با وسعت و جمعیت مختلف و متفاوت بوده است. اطلاعات موجود در منابع مختلف، نشان می‌دهد که مزارع مسکون از دوره‌های پیش از اسلام، قرون اولیه اسلامی تا دوره پهلوی به صورت مستقل و تابعه (صغیره و کبیره) در محدوده قصبات و رستاق‌ها (روستاها)، وجود داشته اند و با عناوینی چون دستکرت، مجموعه‌ها و قلاع کشتخوانی و مزارع مسکون، شناخته می‌شده و در قالب اقطاع، تیول، سیورغال، و عطیه از طرف حکومت واگذار می‌شده اند. بسیاری از این نوع مزارع، پس از الغای تیول‌داری در اواخر قاجاریه و اصلاحات ارضی و با عزیمت بسیاری از مالکان به خارج از کشور و شهرهای بزرگ، ماهیت و شاکله خود را از دست داده و در حال نابودی هستند. با بررسی فراز و فرود ناشی از تحولات تاریخی، می‌توان دوره‌های ایلخانی و صفویه را عصر شکوفایی و بالندگی و اثرگذاری مزارع مسکون بر وجوه مختلف مملکت‌داری و مناسبات اجتماعی و فرهنگی ایرانیان دانست. این مقاله به دنبال پاسخ به سؤالاتی درباره چگونگی فرآیند نضج و حسیض مزارع در گذر از تحولات تاریخی کشور بوده و هدف آن، معرفی این مزارع و تأکید بر نقش اثرگذار آنها در نظام سیاسی، دیوانی و اقتصادی کشور در ادوار مختلف است و سعی می‌کند با رهیافت تفسیری - تاریخی به تأویل و خوانش اسناد مکتوب و پیمایش آثار مادی از طریق برداشت، مستندنگاری، و مصاحبه بپردازد. آگاهی، شناخت، و سپس فهم مزارع مسکون تاریخی با استعانت از اسناد تاریخی و جغرافیای تاریخی، بخشی از نتایج این مقاله به شمار می‌رود.

واژه‌های کلیدی:

مزارع مسکون تاریخی، ایلخانی و صفویه، دسکره، کوشک، قلاع کشتخوانی، وقف.

مقدمه

در اقلیم‌های مختلف ایران، مجتمع‌های زیستی‌ای کوچک‌تر از روستا وجود دارد که به وسعت مختلف و فاصله متفاوت از یکدیگر، در کنار مجتمع‌های زیستی بزرگ‌تر مانند روستاها و شهرها به وجود آمده‌اند. مردم عامه و بومیان مناطق، با توجه به حوزه‌های جغرافیایی بستر، مجتمع‌های یادشده را با عناوینی چون مزرعه، کلاته، دولاب، قلاع، مجموعه‌های کشت‌خوانی، و... می‌شناسند و در ادبیات شفاهی و مکتوب نیز با همین عناوین از آنها یاد می‌شود. بر اساس اسناد مکتوب، مزرعه به صورت مستقل، بخشی از ضیعات یک قصبه محسوب می‌شود و به صورت وابسته یا تابعه، بخشی از ضیعات یک ده به حساب می‌آید و گاهی در شمایل یک ده، در اسناد تاریخی دیده می‌شود (قمی، ۱۳۸۵: ۱۸۱) (تصویر ۱).



تصویر ۱. جایگاه مزارع در نظام دسته‌بندی مجتمع‌های زیستی روستایی (مأخذ: قمی، ۱۳۸۵).

مزارع در طول تاریخ با حوزه‌هایی چون کشاورزی، اقتصاد، سیاست، دین، فرهنگ و بسیاری حوزه‌های دیگر در ارتباط تنگاتنگ بوده است. در منابعی چون مالک و زارع در ایران اثر لمبتون (۱۳۴۵)، وضع ملت و دولت و دربار در دوره شاهنشاهی ساسانیان اثر آرتور کریستن سن، (۱۳۷۴)، جامعه‌شناسی روستایی اثر طالب و عنبری، (۱۳۸۷)، شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان اثر پیگولوسکایا (۱۳۶۷)، و... به کرات به نظام‌هایی چون تیول‌داری و اقطاع‌داری (اقطاع التملیک و اقطاع الاستغلال) برای ساماندهی امور دیوانی و لشکری کشور اشاره شده و بسیاری از مزارع مسکون و غیر مسکون را بخشی از یک روستا یا قریه دانسته‌اند که تحت مالکیت یا در تیول حاکمان محلی بود و

از طرف شخص شاه در ازای خدمتی ویژه به آنها واگذار می‌شد. این منابع، تاریخ پیدایش و آفرینش نظام‌های پیش‌گفته را از دوره هخامنشیان، پارتیان و ساسانیان در پیش از اسلام تا اوایل قرون اسلامی، سلجوقیان، ایلخانیان، تیموریان، صفویان، قاجاریه و حتی پهلوی در پس از اسلام می‌دانند. بنا بر این موضوع مزارع با حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و امثال آن در دوره‌های مختلف تاریخی، درهم‌تنیده بود و برهم اثر می‌گذاشتند.

نوشته‌های نیکزاد امیرحسینی (۱۳۵۶)، جامع مفیدی (۱۳۴۲)، جامع الخیرات (۱۳۴۱)، یادگارهای یزد، ج ۱ و ۲ (۱۳۷۴)، تاریخ جدید یزد (۱۳۴۵)، میراث فرهنگی نطنز، آثار تاریخی، آداب، سنت‌ها و تاریخ نطنز (۱۳۷۹)، درباره نظام‌های مدیریت مزارع مسکون در دوره‌های مختلف، نیز بر این موضوع صحه گذاشته و نشان می‌دهد که بخش اعظمی از شاکله اقتصادی، سیاسی و اداری مملکت تا دوره پهلوی با توجه به فراگیر بودن، نظام وقف در حبس عین مال (تشبیه شیء) و تسبیل منفعت، به مزارع و محصولات آنها، وابسته بوده است و گاهی موجبات شکل‌گیری و توسعه مجموعه‌ای از رقبات و موقوفات در یک نقطه را فراهم می‌کرد.^۱ علاوه بر این در داخل مزارع نیز بین اعضای مختلف، نظام اجتماعی، مالکیت و نظام امنیتی ویژه‌ای حاکم بوده است. کلیه نظام‌های اشاره‌شده در پیوند با هم و لازم و ملزوم یکدیگر بوده‌اند و تحت کلیت واحدی به نام «مزرعه مسکون» در ادوار تاریخ با اثرگذاری و اثرپذیری بر نظام معیشت مردمان و حاکمان رشد کردند، توسعه یافتند، حفاظت شدند و برخی از آنها به تدریج با الغای تیول‌داری و شروع اصلاحات ارضی و کم‌رنگ شدن نقش آنها در نظام معیشت مردمان و حاکمان، متروکه شده و از بین رفته‌اند.

این موضوع را طالب و عنبری (۱۳۸۷) در کتاب جامعه‌شناسی روستایی و همچنین حکمت یغمایی (۱۳۶۹) در کتاب بر ساحل کویر نمک، و نیز جکسون پولاک (۱۳۶۱)^۲ و فرمانفرما (۱۳۸۳) تشریح کرده‌اند.^۳

روش و رویکرد تحقیق

این تحقیق از نوع کاربردی است که با رویکرد تفسیرگرایی و راهبرد تفسیری - تاریخی (گروتوانگ، ۱۳۹۲) درباره مزارع مسکون تاریخی انجام شده است. پژوهش پیش‌رو با استفاده از تجارب نویسندگان، سیاحان، نخبگان مذهبی، سیاسی و حکومتی و حتی

رعیتی که هم‌اکنون در مزارع مشغول به فعالیت هستند، به بررسی و تفسیر وجود مزارع مسکون تاریخی در کشور پرداخته است. حوزه اشاره شده کلی، مبسوط و در حال حاضر غیر قابل دسترسی دقیق است. دانش موجود در زمینه مزارع مسکون تاریخی، دارای قوت لازم برای بررسی همه حوزه‌های اشاره شده نیست. این تحقیق می‌خواهد با استعانت از تاریخ و جغرافیای تاریخی، موضوع تحقیق را در حوزه معماری و دست‌ساخته‌های بشری و به عنوان یک میراث مادی که باید مورد حفاظت قرار گیرد بررسی کند و به بررسی حوزه‌های اثرگذار و اثرپذیر در چارچوب موضوع و زمان و مکان تحقیق بپردازد. روش یافته‌اندوزی که بر مشاهده میدانی، برداشت و مستندسازی، بررسی اسناد شفاهی، مصاحبه و مصاحفه با بومیان و پیران منطقه، استوار است و سندپژوهی و استفاده از اسناد مکتوب و شفاهی، شاکله اصلی تحقیق را تشکیل می‌دهد.

۱.۲. پیشینه تاریخی مزارع مسکون

الف. پیش از اسلام تا اوایل دوره اسلامی

پاسخ این پرسش که مزارع مسکون از چه زمانی وجود داشته اند؟ در حال حاضر به درستی معلوم نیست. منابع مختلف، بسته به فراخور بحث و نوع درک از ماهیت موضوع، با استناد به شواهد و اسناد مکتوب و شفاهی و گاه با استدلال‌های علمی و منطقی، به دوره‌های مختلف تاریخی به مثابه بازه‌های پیدایش مزار مسکون اشاره کرده اند. در این منابع، درباره چگونگی شکل‌گیری اولین حوزه‌های زراعتی در کشور توضیحاتی داده شده^۴ و آن را مرتبط با دوره پس از کوچ‌نشینی دانسته اند. غلامرضا انصاف‌پور در کتاب *تاریخ زندگی اقتصادی روستاییان و طبقات اجتماعی، از دوران ماقبل تاریخ تا پایان ساسانیان* نوشته است: «قدمت بسیاری از مراکز جوامع انسانی (کشاورز و دامدار) در ایران به ده هزار سال می‌رسد، به طوری که کشاورزی و روستانشینی در فلات ایران خیلی زودتر از مصر و بین‌النهرین شروع شده است» (انصاف‌پور، ۱۳۵۵: ۵۸).

بنابراین روستاها و مزارع در اثر ساکن شدن و گرد آمدن عده‌ای از کوچ‌نشینان^۵ و پرداختن آنان به زراعت به وجود آمده است. در این باره می‌توان، گستره‌ای به وسعت اغلب مناطق دنیا را به حوزه مکانی تحقیق مرتبط دانست. اما مستدل‌ترین و نخستین شواهد از رواج زراعت و مزرعه‌داری در ایران را می‌توان در گزارش کاوش‌های باستان‌شناسی دید و برای پی‌گیری نظام‌مند و یافتن

مبادی مزارع مسکون تاریخی باید به دوره تاریخی پیش از اسلام در جغرافیای ایران نگاه کرد. علی‌بیگی و خسروی، (۱۳۸۵) با تشریح «نگاره کشاورزان عصر آهن بر روی سفال‌های رباط کریم» و میرعابدین کابلی، سرپرست کاوشهای شهاد با تشریح «محله کشاورزان در هزاره سوم پ.م در شهاد قدیم»، به این موضوع پرداخته و نشان داده اند که تأمین نیازهای اولیه غذایی در جوامع آن روز در قالب کشاورزی و زراعت در کنار تولیدات صنعتی و دادوستد دارای اهمیت اساسی بوده است. کابلی در گزارش کاوش شهاد بر این عقیده است که: «در شهاد در هزاره سوم پیش از میلاد باکلان شهری روبه‌رو نیستیم بلکه محله‌های چندی از جمله محله کشاورزان، محله صنعتگران، محله جواهرسازان، محله سفالگران، و... شناسایی شده اند که در فاصله ۱۵۰ تا ۳۰۰ متری یکدیگر قرار دارند» (کابلی، ۱۳۵۲).^۶

بنابراین محله کشاورزان و همچنین نگاره‌های کشاورزان بر روی سفال‌ها و حتی مهرهای استوانه‌ای در دوره‌های بعدی به‌ویژه هخامنشی که حکایت و روایتی از زراعت در آنها دیده می‌شود، نشان از منزلت فلاح در هزاره‌های پیشین دارد و می‌تواند محل پاسخ به سؤالات بی‌شماری در این باره باشد (تصویر ۲).

علاوه بر آن از دوره مادها، هخامنشیان، پارتیان، سلوکیان، ساسانیان و قرون اولیه اسلامی، منابعی در دست است که نشان می‌دهد وابستگی^۷ به زمین و زراعت، زیاد بوده و مزرعه‌داری و کشاورزی موجب رونق و ارائه تولیدات در شهرها می‌شده است. در دوران مادها، روستاییان فقط به زمین و زراعت وابسته بودند و در حکومت هیچ نقشی نداشتند و شهرهای ماد با اتکاء به زراعت روستاها رونق می‌یافتند (مترضوی تبریزی، ۱۳۸۳). هخامنشیان هفت خانواده بزرگ بودند و طبقه مالکان بزرگ و یا فئودال را تشکیل می‌دادند. طبقه فئودال (صاحبان زمین و املاک) مسئولیت تأمین سپاه و نیروی نظامی را در ازای در اختیار داشتن املاک قابل کشت از طرف شاه بر عهده داشتند. در این دوره بازرسانی به نقاط مختلف کشور گسیل می‌شدند تا مزارع را بررسی کنند و در پی آن، بندسازی و ایجاد کانال‌ها و روش‌های جدید برای رونق زراعت و کشاورزی متداول شد (همان، ۲۷).

«در دوران سلوکیان و اشکانیان نیز توسعه کشاورزی و زمین‌داری موجب دوام و تثبیت حکومت آنان شد. در این دوره با افزایش قیمت زمین، خرده‌مالکان و زارعان جزء نتوانستند در رقابت با مالکان عمده، زمین‌های خود را حفظ کنند و در نتیجه اختلافات طبقاتی نضج گرفت. یکی از ویژگی‌های این دوران،



تصویر ۲. تصاویری از درفش شهداد و نگاره کشاورزان عصر آهن بر روی سفال‌های رباط کریم (کابلی، ۱۳۵۲؛ خسروی و علی‌بیگی، ۱۳۸۵). استفاده از گونه‌های مختلف درختان و شیوه‌های زراعت در درفش شهداد و نگاره سفالی، نشان از اهمیت کشاورزی در آن دوران به عنوان رکن معیشت و اقتصاد بوده است.

و قالب‌های مختلف و به صورت مستقل و تابعه، وجود داشته اند و مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفته اند. در این مورد، یکی از منابع کتاب پیگولوسکایا (۱۳۶۷) است. او به مجموعه‌هایی در دوره‌های پیش از اسلام اشاره می‌کند که به لحاظ شکلی و محتوایی به مزارع مسکون اربابی نزدیک است و آن را «دستکرت» نامیده است. پیگولوسکایا از نوشته‌های عربی، پژوهش‌های باستان‌شناسان، از نگاه ابن رسته، جغرافی‌نگار عرب سده دهم میلادی، هرتسفلد، و مجموعه قوانین ماتیکان برای به دست آوردن تعریفی دقیق و تشریح منطقی درباره دستکرت استفاده می‌کند و تعبیر متفاوتی از اراضی شاهنشاهی تا دژ و قلاع شاهنامه، ارائه می‌نماید اما در پایان به این نتیجه می‌رسد که: «دستکرت در میان نواحی مسکونی، آخرین مقام را داشت که عبارت بودند از: شهر، قصبه، ده و دستکرت. در گذشته دستکرت به دست بردگان زراعت و آباد می‌شد. در مواردی می‌توان با استناد به بندهای ارائه‌شده ماتیکان، دستکرت را اراضی مزروعی شامل خانه، کانال آبیاری، چاه و دیگر ابنیه مربوط بدان دانست. طبق نوشته ماتیکان، دستکرت قطعه زمینی است که بنده در آن سکنی دارد و به کار زراعت و

رواج برده‌داری در سراسر کشور بود که بعدها به صورت فئودالیسم درآمد» (سلطان‌زاده، ۱۳۶۵: ۶۳).

ساسانیان یکی از هفت خانواده بزرگ و فئودال دوره هخامنشیان بودند و در این دوره دهقانان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و از نظر مراتب اجتماعی پس از نجبا قرار داشتند. در این دوره غیر از نجبای تیول‌دار و دهقانان، روحانیون نیز وجود داشتند که خود دارای املاک بودند. روستاییان و زارعین، موظف بودند بخشی از درآمد خود را به مالکان به عنوان بهره مالکانه و بخشی دیگر را به عنوان مالیات و خراج به آنها بدهند. سربازان را نیز روستاییان که کشاورز و زارع بودند، فراهم می‌کردند. آنها مسئول تأمین مالیات و خراج برای دولت بودند (کریستین سن، ۱۳۷۴: ۴۰). در این دوره، تأسیسات مهمی نیز برای رواج کشاورزی و مزرعه‌داری ایجاد شد و تأمین نیازهای دولتی، دیوانی و لشکری نیز از طریق نظام‌هایی مانند اقطاع‌داری^۱ و تیول‌داری^۲ انجام می‌شد^۱ (وئوقی، ۱۳۷۳). این نظام، در قرون اولیه اسلامی (به‌ویژه دوره عباسیان) و پس از آن نیز با اندکی تغییر ادامه یافت. اسناد تاریخی، نشان می‌دهد که مزارع در این بازه تاریخی در اشکال

آبادانی اراضی اشتغال می‌ورزد. بعدها دستکرت^{۲۱} به املاک دارای کاخ و دژ و دیوارهای استوار گفته می‌شد که به اشراف و بزرگان به‌ویژه شاهنشاه تعلق داشت» (پیگولوسکایا، ۱۳۶۷: ۲۹۰).

واژه دستکرت یا دستگرد به مفهوم کاردست و آبادی اراضی است. در این املاک بناهای متعددی وجود داشت که شامل کشتزار، جنگل و آبادی، همراه با تعداد معینی بنا بود (پیگولوسکایا، ۱۳۶۷). هرگاه کسی اعلام کند که دستکرت و کلیه متعلقات آن را به تو بخشیده‌ام، در آن صورت رعیت که در آنجا کار می‌کند، نیز جزئی از بخشش به شمار می‌آید. از این رو هنگامی که قطعه‌زمینی را هدیه می‌دادند، تولیدکنندگان نیز به همراه زمین واگذار می‌شدند. این نیز از ویژگی‌های دوره گذر به فئودالیسم و آغاز آن است (همان، ۲۷۶). اصطخری نیز در قرن چهارم هجری درباره دستکرت یا دسکره می‌نویسد: «دسکره آبادان است و حصنی گلین دارد. اندرونش فارغ است و آنجا مزرعه‌ای هست. گویند کی پادشاه گاه‌گاه آنجا مقام کردی، آن را دسکره‌الملک خوانند» (اصطخری، ۱۳۴۰: ۸۷).

اصطخری به صراحت به واژه «مزرعه» اشاره می‌کند و مقصود او نیز با توجه به مقام نمودن پادشاه در آن، مزرعه مسکون است. این تعبیر به توضیحات و تشریحات پیگولوسکایا نزدیک است و به نوعی نشان می‌دهد که دستکرت می‌تواند به مزرعه مسکون اربابی نزدیک باشد و چون برقراری و ساماندهی امورات یک مزرعه مسکون با آدمیان و رعیتی که در آن زندگی کرده و به خدمت مشغول بودند، پرهزینه و به‌مراتب سخت‌تر از مزرعه کشاورزی است، بنابراین اربابان مزارع مسکون علاوه بر شاهان، مالکان و مقربان متمول آنها را نیز شامل می‌شده است.

ابومنصور جوانیقی در کتاب *المعرب من الکلام الاعجمی* می‌نویسد: «دسکره بنائی است شبیه قصرکه در اطراف آن خانه‌هایی ساخته شده باشد. این بناها مخصوص سلاطین است و این لغت از فرهنگ پارسیان گرفته شده است» (دهگان، ۱۳۸۹: ۲۰۰).

بنابراین دسکره در ادبیات پس از اسلام نیز به مکانی محصور اطلاق می‌شده است. در بسیاری از منابع تاریخی از واژه دسکره (در پس از اسلام) برای خواندن و نامیدن مجتمع‌های زیستی کوچکی مانند قلعه‌ها استفاده شده که در آن رعیتان و اربابان یک محدوده جغرافیایی در کنار یکدیگر با نظام ویژه‌ای زندگی می‌کنند و غالباً به کشاورزی زراعت می‌پردازند (افشار، ۱۳۷۴ ج ۲: ۸۵). در این مورد می‌توان به منابع فراوانی اشاره کرد که به این

موضوع پرداخته اند و در ادامه به آنها اشاره خواهد شد. بنابراین با جستجوی ردپای مزارع مسکون اربابی در پیش از اسلام، به نظر می‌رسد دستکرت نمونه اولیه‌ای از پیدایش مزارع مسکون اربابی و شاهانه است که به دوره‌های تاریخی پیش از اسلام با ادبیات شبه‌فئودالی تعلق دارد و با حفظ ماهیت و نظام اجتماعی و اقتصادی منتسب به مالکان و اربابان متمول در پس از اسلام، رشد کرده و با نظام بهره‌برداری وقف، دارای ساختار وسیع و پیچیده‌ای شده است که می‌تواند بازگوکننده روابط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مهمی از آن دوران باشد.

ب. از اوایل اسلام تا دوره صفویه

همان گونه که در بالا اشاره شد، در پیش از اسلام مزارع در اشکال مختلف (مسکون و غیر مسکون)، بخش کوچکی از املاکی بودند که به عنوان تیول، در ازای انجام خدماتی در اختیار فئودال‌ها و دهقانان و شاهزادگان قرار می‌گرفت. بخشیدن زمین و محصولات آن به عنوان اقطاع نیز در صدر اسلام توسط پیامبر اکرم (ص) به صورت تملک و بلاشرط معمول شد (موسوی، ۱۳۷۷) و این، ادامه نظام تیول‌داری در پیش از اسلام بود (لمبتون، ۱۳۷۷: ۱۲۱). در دوران بنی‌امیه، سپاهیان از مردم عادی بودند و تنها از قلمرو مؤمنین دفاع می‌کردند و به لحاظ منزلت اجتماعی در سطوح بالا قرار نداشتند و بنابراین اقطاع یا تیولی به آنها تعلق نمی‌گرفت اما در دوره عباسیان، سپاهیان مزدور متنفذترین طبقات مردم را تشکیل می‌دادند و تبدیل به اربابان جدید مملکت شدند. حکومت نیز متمایل به این شد که نه تنها به مقطع‌ها (متنفذین)، حق وصول خراج زمین را بدهد بلکه خود زمین‌ها را نیز ببخشد. بنابراین قدرت سیاسی و اجتماعی مقطع‌ها بیشتر شد^{۲۲} (همان، ص ۱۲۳). از این دوره به بعد، زمین، مزرعه و روستا در ایران به عنوان یک کالای اقتصادی غیر منقول، جای طلا را که مبنای فعالیت‌های اقتصادی بود، گرفت. مالکان بزرگ و متوسط ایرانی و عرب، از قرن اول تا قرن سوم هجری زمین را به صورت قطعات کوچک به روستاییان اجاره می‌دادند (مرتضوی تبریزی، ۱۳۸۳: ۲۹).

در دوران آل‌بویه و دیلمیان، املاک دیوانی که در اختیار مردم و رعیت بود به صورت اقطاع به بزرگان و سرکردگان داده شد. در این دوران به دلیل رفتار ناعادلانه حکومت، مردم ملک‌ها را رها کرده و ترک دیار کردند. بنابراین نظام اقطاعی، شکل نوینی به خود گرفت و اغلب زمین‌ها به مقطعان سپرده شد (لمبتون، ۱۳۴۵: ۷۴).

۱۱۸). در زمان آل بویه^{۴۱} تغییرات بسیاری در مسئله مالکیت زمین پدید آمد و خانه و زمین مردم را از چنگشان به درآوردند (غنی و فیاض، ۱۳۲۴: ۲۰). این موضوع به لحاظ تغییر در نظام مالکیت مزارع، به اندازه‌ای مهم بوده که در اغلب منابع به آن اشاره شده است. حسن ابن قمی در قرن چهارم هجری نیز در کتاب تاریخ قم به آن اشاره کرده است: «پس از آنکه گیل‌ها و دیلم‌ها قم را تسخیر کردند، دیوانات را منسوخ و به جای آن اقطاع را برقرار کردند» (قمی، ۱۳۸۵: ۱۱۸).

چون سامانیان دارای دستگاه اداری و دیوانی عریض و طویلی بودند، منشأ قدرت آنان مالکان بودند و آنان دیوان‌های جداگانه مخصوص املاک خالصه و اوقاف داشتند (نرشخی، ۱۳۶۳). سامانیان و جانشینان آنان یعنی غزنویان به مأموران خود، مزد نقدی می‌دادند و اقطاع نمی‌بخشیدند. بنابراین راه و رسم اقطاع‌داری و واگذاری مزارع، زمین‌ها، و روستاها به بزرگان و سرکردگان و لشکریان به تأسی از گذشته، از سده‌های اولیه هجری دوره عباسیان در پس از اسلام شروع شد و در دوره‌های بعدی تحت قاعده و اسلوب درآمد (لمبتون، ۱۳۴۵: ۱۱۸).

موضوع کشاورزی و زراعت و فلاحت نیز پس از سده‌های اولیه هجری و اندکی پس از آن، در اسنادی چون *ارشاد التّراعه* (ابونصر هروی، ۱۳۴۶)، *مفاتیح الارزاق* (محمد یوسف نوری، ۱۳۸۱)، *حداثات الانوار فی حقایق الاسرار* (فخر رازی، ۱۳۴۶)، *نزهة القلوب* (مستوفی، ۱۳۲۰) و *نفائس الفنون* (آملی، ۱۳۸۱) تشریح می‌شود. اما در جستجوی نشانی از مزرعه مسکون، در این باره، می‌توان به نوشته‌هایی از کتاب *تاریخ بخارا* اشاره کرد. نرشخی (۱۳۶۳) در این کتاب از کوشک‌هایی سخن به میان می‌آورد که در قرن چهارم هجری در خارج از شهر بخارا وجود داشته، مستقل بوده و به افراد متمول تعلق داشته است. علاوه بر آن، این کوشک‌ها دارای کشتزار بوده و مجموعه‌ای از بناهای خدماتی و گروهی از رعیت آن را در اطراف خود جای داده بودند: «محمد بن جعفر النرشخی اندر کتاب آورده است که قتیبه بن مسلم به بخارا درآمد و بخارا را بگرفت، اهل بخارا را فرمود تا یک نیمه از خان‌ها و ضیاع خویش عرب را دادند. قومی بودند در بخارا که ایشان را «کشکشان» گفتندی و ایشان مردمانی بودند با حرمت و قدر و منزلت و در میان اهل بخارا ایشان را شرف زیادی بودی و ایشان از دهقانان نبودند، غربا بودند اصیل و بازرگانان بودند و توانگر بودند. پس قتیبه الحاح کرد اندر قسمت خان‌ها (و اسباب ایشان، خان‌ها) و اسباب خویش جمله گذاشتند به عرب و از بیرون شهر هفتصد کوشک بنا

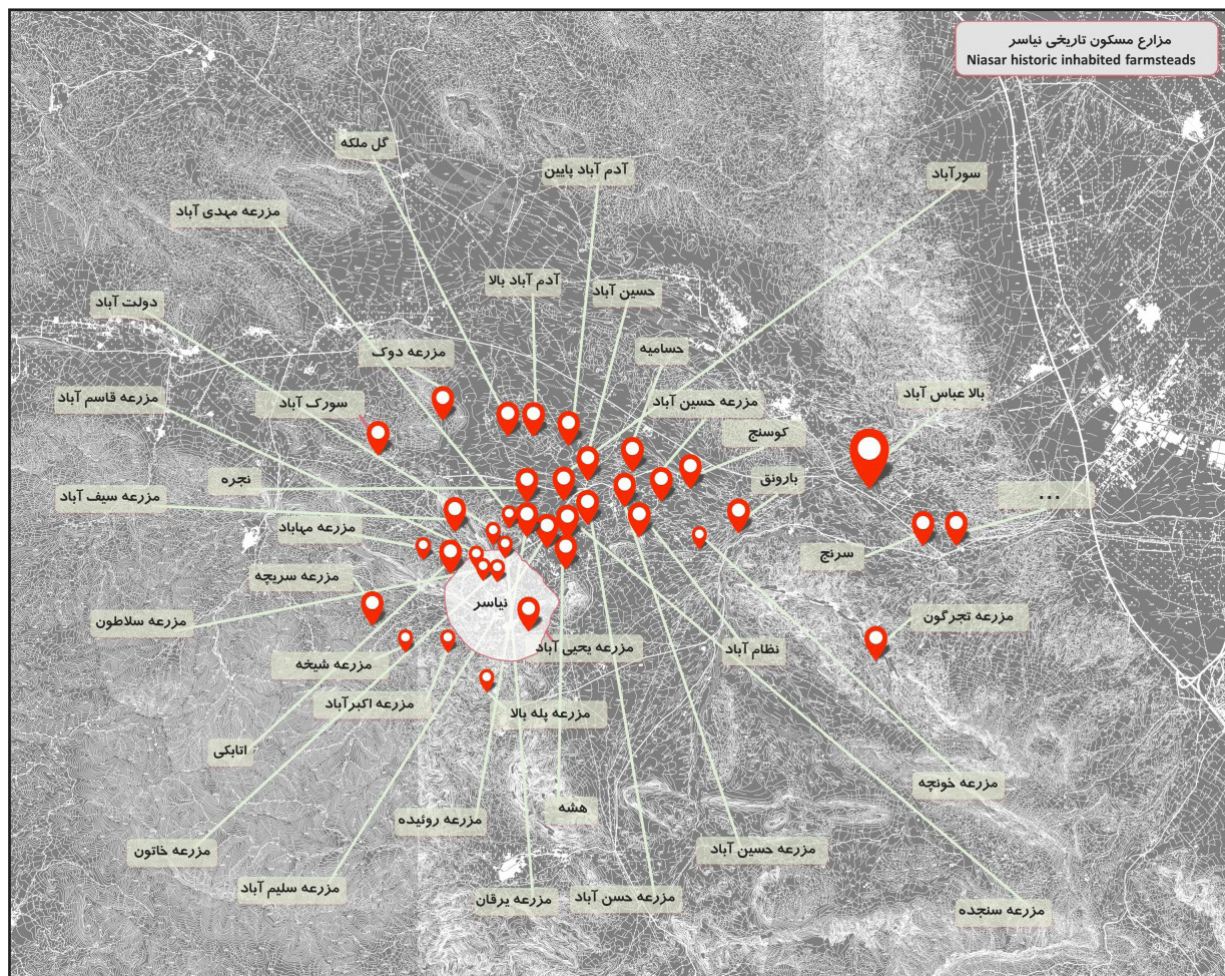
کردند و آن روز شهر همین قدر بود که شهرستان است و هرکسی گردبرگرد کوشک خویش خانه‌ای چاکران و اتباع خویش بنا کردند و هر کسی بر در کوشک خود بستانی و صحرایی ساخت و بدان کوشک‌ها بیرون آمدند و آن کوشک‌ها امروز ویران شده است» (باستانی‌راد، ۱۳۹۳: ۱۱۸).

با توجه به سند بالا، می‌توان در کوشک‌های خارج از شهر بخارا و دستکرت‌های پیش از اسلام، به شباهت معناداری رسید و با توجه به وجود جمعیت ثابت، کشتزار و رعیت آن را به مزارع مسکون اربابی نزدیک دانست. علاوه بر آن، حسن بن قمی نیز در قرن چهارم هجری به رستاق قاسان (کاشان)، نیاستر (ت ۳)، ساوه، انار، طبرش و تعدادی دیگر و مزارع متعلق به آن می‌پردازد و محصولات و میزان خراج آنها را معرفی می‌کند. قمی پس از رستاق به دیه و مزرعه می‌رسد و جایگاه آن را در نظام مجتمع‌های زیستی آن دوران به مثابه یک عنصر مستقل و خودکفا تبیین می‌کند: «رستاق ساوه: مزرعه کاسویه، مزرعه عثمان‌آباد، وندود و مزارع‌ها، مزرعه محمدآباد ویده، اندس و مزارع‌ها، طخرد و مزارع‌ها، مزرعه دیزوآباد، مزرعه کهک، مزرعه قمرود، النصف من مزرعه روسبل، مزرعه دادارم، مزرعه ویده» (قمی، ۱۳۸۵: ۲۰۳).

موضوعات بالا نشان می‌دهد که در قرون اولیه اسلامی به‌ویژه تا قرن چهارم هجری ساختار یک مزرعه مسکون با ویژگی‌های کالبدی و اقتصادی و با نظام اجتماعی خاص در جامعه معرفی می‌شود و از این طریق می‌توان به نشانه‌هایی از مزارع مسکون دست یازید که در دوره‌هایی چون سلجوقی، ایلخانی، صفوی، و قاجار به تکامل خواهند رسید.

حسن بن قمی در قرن چهارم هجری به نیاسر و مزارع آن اشاره می‌کند و کلانتر ضرابی، مزارع مسکون نیاسر را در دوره قاجار، ۳۷ باب معرفی می‌کند که بسیاری از آنها هم‌اکنون نیز وجود دارند: «قریه نیاسر حقیقت قصبه‌ای است و مزارع بهذه التفصیل تابع او است. ۳۷ باب مزارع شامل: لنگان، علی‌آباد، خوانکه، سرنج، تجرگان، جعفرآباد، وارونق، خوانچه، هشه، سلیمان‌آباد، تجرگان، جعفرآباد، سنجده، حسن‌آباد، سوراآباد، ابرونک، درسور، سلخنو، پاچنار، دی‌زرین، اتابکی، دولت‌آباد، کرقن علیا، کرقان‌سفلی، روییده، بحره، سیف‌آباد، خاتون، بدیع‌آباد، رال‌آباد، سریجه، دردار، مه‌آباد، بیدجه، درم‌آباد علیا، جزواستراک، درم‌آباد، سلوک‌آباد، سفلی جز و ایضا» (ضرابی، ۱۳۳۵: ۱۴۸).

اسناد مکتوب نشان می‌دهند که در قرن چهارم هجری



تصویر ۳. پراکندگی مزارع مسکون مربوط به دوره‌های تاریخی مختلف (پیش از صفویه تا پهلوی) در شعاع ۲ تا ۱۵ کیلومتری اطراف نیاसर (مأخذ: نگارنده، ۱۳۸۷).

موضوع سیورغال در املاک آستان قدس، به یکی از قدیم‌ترین اسناد سیورغال که مربوط به «مزرعه کلاتچه اروج نیشابور» به سال ۸۹۹ق است، اشاره می‌کند و آن را نشان از حضور بااهمیت مزارع به عنوان یکی از عوامل اثرگذار در نظام اقتصادی دوره ایلخانی می‌پندارد (حسن‌آبادی، ۱۳۸۶: ۶۴-۷۰). شأن مزارع در بسیاری از اسناد حقوقی و دیوانی در این دوره و پس از آن محرز است. علاوه بر آن، نضج و توسعه نظام وقف، نیز اثر بسزایی در حفاظت از مزارع ایفاء می‌کند. اعظم واقفی در مرور وقف‌نامه‌های نظنز به مواردی از این دست، اشاره می‌کند: «سیدحسن الحسینی در بیستم ذی‌حجه سال ۸۵۷ق (عصر گورکانیان) رقباتی مانند شش‌دانگ مزرعه استوار، نیم شش‌دانگ مزرعه برزویه، شش‌دانگ مزرعه پشمن، سه دانگ مزرعه گوشه، پنج دانگ و نیم مزرعه دشتق میلاجرد را وقف بر خیرات و اولاد می‌کند» (اعظم واقفی،

مزارع مسکون و غیر مسکون به لحاظ اقتصادی و نقشی که در منزلت اجتماعی دارد در جوامع پس از اسلام شناخته می‌شود و به دوره سلجوقی می‌رسد. اساس زندگانی سلجوقیان گله‌داری بود و از مشکلات اساسی آنها انجام تعهدات قبیله‌ای و پرداخت مواجب سپاهیان بود که هر دو اثر بسیار در مسئله زمین‌داری و وصول خراج اراضی داشت (لمبتون، ۱۳۴۵: ۱۲۷). در این دوران اقطاع‌داری، بارزترین مشخصه اداره املاک و اراضی بود و انواع مختلفی داشت.^{۵۱} اقطاع شخصی و دیوانی سلجوقیان به ترتیب در دوره‌های مغول و ایلخانی به سیورغال (معاف مالیاتی و موروثی) و تیول (زمینی که دارنده آن می‌توانست موقتاً مالیات را برای خود وصول کند) تبدیل شد.^{۵۲} از این دوره به بعد، در بسیاری از اسناد حقوقی و دیوانی، می‌توان نامی از مزرعه مسکون مستقل و تابعه دید. ابوالفضل حسن‌آبادی در فصلنامه گنجینه/اسناد ضمن تشریح

دوران سلجوقی و پس از آن ایلخانی را می‌توان آغازی برای حفاظت و تقویت مزارع و انتقال آن به دوره‌های بعدی دانست. در این بازه، اسلوب معماری و نظام‌های نگه‌دارنده اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مزارع، خود را از انواع پیش از اسلام جدا می‌کند. تقویت ساختار تیول و اقطاع و ایجاد و توسعه نظام سیورغال و وقف به ماندگاری مزارع کمک می‌کند. اما در دوره صفویه، میل غالب به ترکیب سیورغال، تیول و اقطاع و تبدیل آن به واحدی به نام «عطیه‌ای» بود که صاحب آن از هرگونه مداخله عمال حکومت مصون باشد (لمبتون، ۱۳۴۵: ۲۰۶). در فرمان مورخ ۱۱۲۰ق شاه سلطان حسین که به مناسبت اعطای «مزرعه دولت‌آباد و کیخسروآباد» واقع در ناحیه جوشقان کاشان به عنوان تیول موسی‌بیگ قوللرآقاسی، بیگلربیگی سابق آذربایجان صادر شده است، جمله‌ای دیده می‌شود بدین مضمون: «مزرعه دولت‌آباد و کیخسروآباد به عنوان سیورغالی و به عنوان اقطاع التملیک با مالیات و عوارض آن به وی عطا شده است» (همان: ۲۳۰).

در سندی دیگر، ملک حسین سیستانی در *احیاء الملوك* می‌نویسد: «شاه عباس پس از ملاطفت بسیار، ماندن در اصفهان یا رفتن به مشهد را به انتخاب و میل ملک شاه حسین گذاشت. ملک شاه حسین رفتن به مشهد را برگزید و شاه عباس هم موضع «کنه بیسه» را که محل زراعت بسیار داشت به او داد و املاک فراه را به تیول و سیورغال ابدی محمد مؤمن (پسرش) اعطاء کرد» (سیستانی، ۱۳۴۴: ۳۸).

بنابراین مزارع از روستاها و دیگر مجتمع‌های زیستی و کشاورزی، مستقل بوده اند. در این دوره، حمایت از کشاورزی با توسعه نظام سیورغال و وقف، به صورت گسترده به تثبیت روستانشینی و مزرعه‌داری کمک کرد (کیانی، ۱۳۶۶: ۱۴).

علاوه بر آن در برخی از اسناد حقوقی و دیوانی تاریخی مانند وقف‌نامه‌ها، وصیت‌نامه، قرارنامه، تقسیم‌نامه، مبیعه‌نامه‌ها، مصالحه‌نامه، استشهاد، استبعاد، استخبار و امثال آن، نیز اطلاعات مفید و درخوری درباره موجودیت و استقلال مزارع مسکون وجود دارد. از آن جمله می‌توان به سند مبیعه چندین مزرعه، مورخ ۱۰۸۵ق (تصویر ۵) که سیدحسن اعظم واقفی (۱۳۷۹) در کتاب *میراث فرهنگی نطنز، آثار تاریخی، آداب، سنت‌ها و تاریخ نطنز* آورده، اشاره کرد. در این سند میرزا محمدباقر حسینی، فرزند میرزاخان به وکالت از طرف همسرش، خان‌زاده خانم، دختر میرزا محمدعلی هفده سهم و نیم از کل مزرعه پیلک سهم‌الارث او

را در تاریخ ششم ماه صفر سال ۱۰۸۵ق به محمد حسینی به مبلغ بیست‌ودو تومان فروخته است. این سند نشان می‌دهد که مزارع یادشده «مسکون» هستند و شامل عناصری چون املاک، اراضی، صحرای، محوطات، اشجار، باغات و بیوتات هستند. و یا درسند مبیعه مورخ ۱۰۷۴ق (تصویر ۴) میرزا محمدسعید، فرزند میر عسکری حسینی نطنزی به وکالت از طرف همسرش، ملک جهان خانم، دختر میرمحمد صالح حسینی نطنزی دو دانگ از «مزرعه خواندآباد» را با جمیع توابع شرعی و لواحق ملیه و اراضی و صحرای و شرب و مشارب و قنوات و جداول و آبار و انهار و جبال و تلال و عیون قدیم و جدیداً داخلاً و خارجاً به وکیل وزیر قورچیان در تاریخ ۲۷ ماه رجب سال ۱۰۷۴ق به مبلغ سی تومان فروخته است (اعظم واقفی، ۱۳۷۹: ۳۹۴).

علاوه بر آن در منابعی چون جامع الخیرات (۱۳۳۰)، یادگارهای یزد، ج ۲ (۱۳۷۴)، و *شیخ‌الحکمایی* (۱۳۸۸) که اغلب به بررسی اسنادی از دوره‌های ایلخانی و صفویه و قاجار می‌پردازند، اشارات متعددی به جایگاه مزارع مسکون، ماهیت، نظام مدیریت و مالکیت آنها شده است و در نحوه تمیز و تشخیص مزارع مسکون از انواع دیگر دقت شده است. در متن وقف‌نامه‌های *جامع‌الخیرات* درباره موقوفات شمس‌الدین محمد بر مدرسه و خانقاه کینه، مواردی آورده شده که به واژگانی چون مزرعه، کش‌خوان، قطعه، باغ، دسکره، صحراء و... اشاره شده است. در این وقف‌نامه که در سال ۱۱۶۱ق تنظیم شده است از زمین یا قطعه، کشت‌خوان یا کش‌خوان، باغ، مزرعه و دسکره، به طور جداگانه یاد شده است (افشار، ۱۳۷۴: ج ۲: ۴۵۶-۵۳۷). بر اساس این وقف‌نامه «کش‌خوان» شامل چند قطعه است و «باغ» دارای کش‌خوان و قطعه است. و دسکره همان قلعه‌های کشت‌خوانی کنونی است و «مزرعه» نیز از هم‌کناری کش‌خوان، باغ، دسکره و مستحدثات دیگر شکل می‌گیرد.

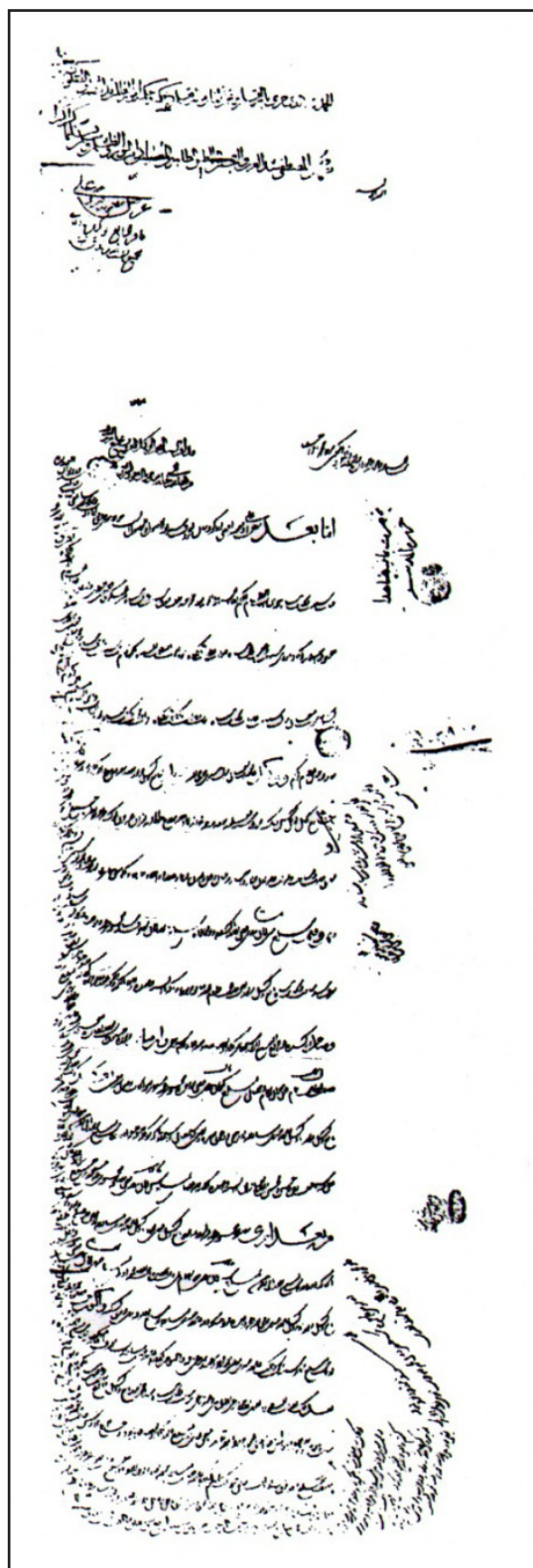
«... {همگی و تمامی دو دانگ شایع کامل از کل شش دانگ مزرعه معینه معلومه موسوم به مزرعه خواندآباد من مزارع حوالی قریه نسران عن قری بلوک طرقرود نطنز با جمیع توابع شرعی و لواحق ملیه و اراضی و صحرای و شرب و مشارب و قنوات و جداول و آبار و انهار و جبال و تلال و عیون قدیم و جدیداً داخلاً و خارجاً و کلما یتعلق بها شرعاً به قدر الحصة الشایعه الشرعیه سَمی ام لم یسم و ذکر فیہ ام لم یذكر. به ثمن و قیمت مبلغ سی تومان تبریزی فضی نصفه بالکلیه و توضیحاً ایاه مبلغ پانزده تومان موصوف، مبیعه صحیحه شرعیه و {...}» (اعظم واقفی، ۱۳۷۹:

(۳۹۴).

«... {تمامی هفده سهم و نیم از جمله سهام معین ارثیه موکله حضرت بايع مشارالیه از کل مزرعه مدعوه موسومه به مزرعه پيلک من مزارع رودخانه و ده طرق نطنز از املاک و اراضی و صحاری و محوطات و اشجار و باغات و بیوتات و مجاری میاه من محل الحیس و الارسال و انهار و جداول و کُل ما يتعلق بها شرعاً که مزرعه مذکوره محدوده است کما قبل به املاک قریه اسفیدان و با ملاک قریه میلآجر من الطرفین و به شارع با جمیع توابع شرعیه و لواحق ملیه اسلامیة به ثمن مبلغ بیست و دو تومان و ...}» (اعظم واقفی، ۱۳۷۹: ۳۹۷).

اسناد اشاره شده و توضیحات ایرج افشار (۱۳۷۴) درباره تفاوت مزرعه، دسکره، کشتخوان و باغ با یکدیگر و تعلق دسکره ها به مزارع مسکون، نشان دهنده آن است که احتمالاً قلاع کشتخوانی، نمونه تکامل یافته دساکر پیش از اسلام است با این تفاوت که در بین خواص و عامه مردم نیز به عنوان یک الگوی زیستی و معیشتی پذیرفته شده و از جنبه های فرمایشی و زینتی آن کاسته شده است. ایشان ضمن بازدید میدانی از قلعه یا دسکره رحمت آباد، آن را مزرعه رحمت آباد دانسته (تصویر ۶) و از قلعه و خانه اربابی و بانی آن سخن گفته و این عمارات را بخشی از این مزرعه مسکون دانسته است: «... قسمت جنوب شرقی قلعه به خانه اربابی اختصاص داشته و کاملاً به مانند یک خانه شهری ساخته شده بوده است. بر سردر قلعه یک قطعه سنگ نصب است و بر آن به خط نستعلیق چنین نقر شده است: «بسم الله الرحمن الرحيم. حسب الفرموده بانی این مزرعه رحمت آباد مرحوم حاجی ابوالقاسم تاجر رشتی» (افشار، ۱۳۷۴ ج ۲: ۸۵).

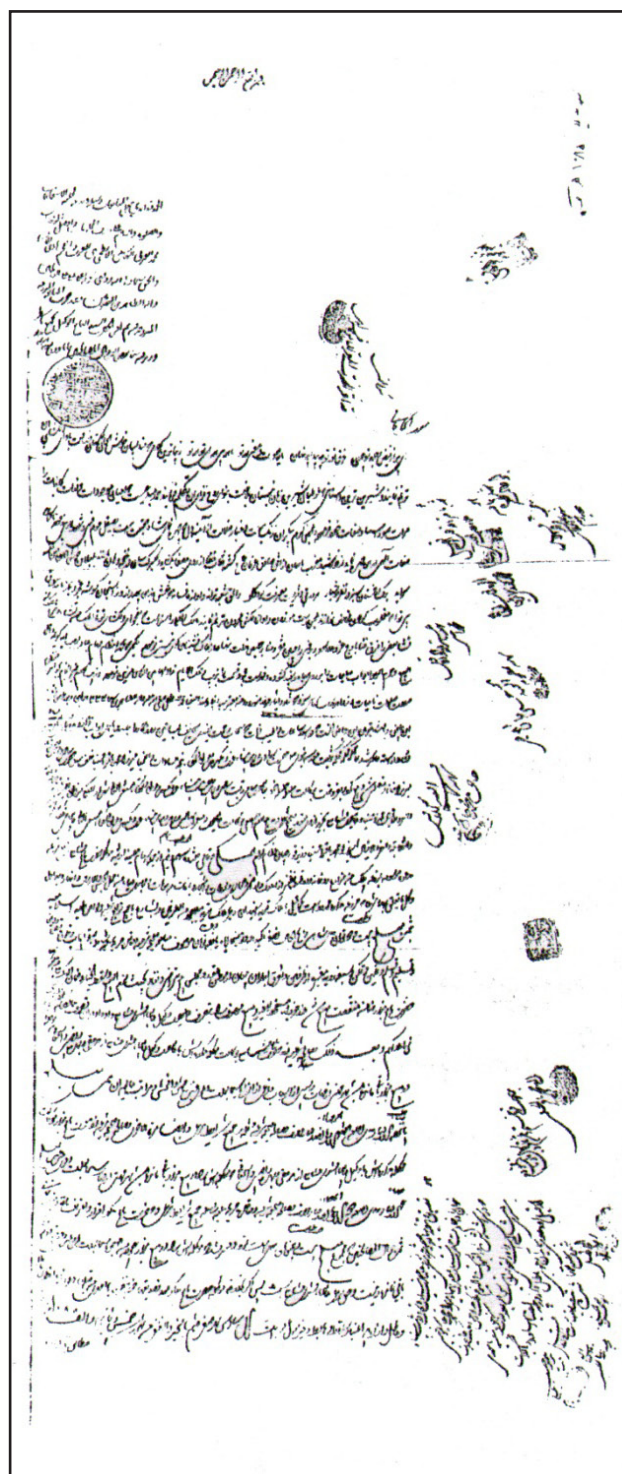
در برخی اسناد تاریخی در این دوره نیز از وجود مصنعه، بازار، داکین، بیوتات و امثالهم در داخل و یا کنار «رباط های» واقع در مزارع سخن به میان آمده و این عمارات و لواحق را بخشی از مزرعه مزبور دانسته است. در وقفنامه موقوفات فر شاه که مربوط به دوره صفوی (۱۰۳۵ق) است، ساختار مجموعه های کشت خوانی (مزرعه چفته) تشریح شده و رقبات و حاصل و خراج آن ها مشخص شده است: «... جمیع املاک خود را از میاه و باغات و مزارع و اراضی و طاحونه و داکین و غیره که در دارالعباده یزد و قریه این مبارکه و مزرعه چفته از قرای حوالی دارالعباده یزد داشتند و مالک و متصرف آن لامشارکت و منازعت غیر بودند، وقف برین ابواب البر مذکور فوق و غیر بتفصیل ذیل نمودند و



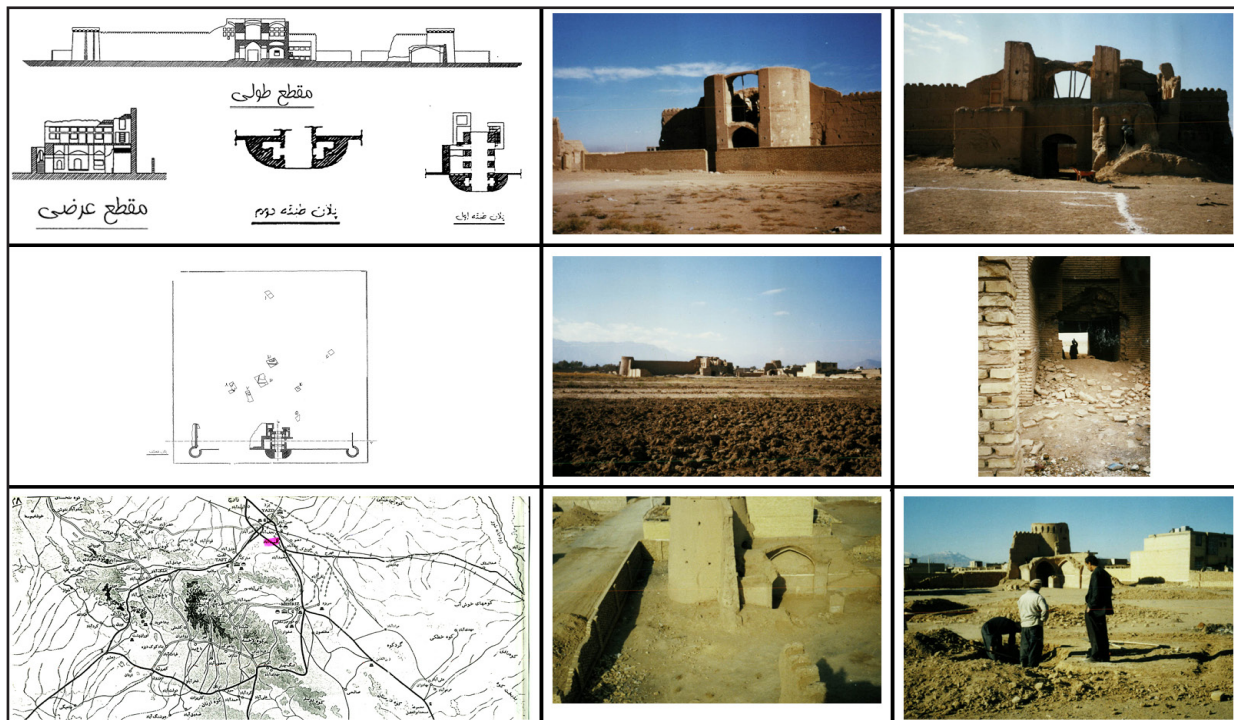
تصویر ۴. تصویری از سند مبیعه مزرعه «خواندآباد» مورخ ۱۰۷۴ق.

صیغه عربیه و فارسیه گفتند. همچنین بجهت آبادی مصنعه و بازار و رباط که در مزرعه چفته مابین قریه عقدا و مبد است مقرر نمودند که همیشه دو دکان بقالی آشپزی دایر باشد و مصنعه پر آب و داکین و دهکده معمور و بجهت خرج ضروری این مصنعه و غیره مزرعه چفته را بالتمام وقف این مواضع نمودند که آن چه حاصل شود بعد از وضع خراج و نفقه القنوت و مصالح الاملاک خرج عمارت داکین و رباط و مصنعه میشده باشد و اگر چیزی زاید آید نزد متولی به امانت باشد» (افشار، ۱۳۷۴ ج ۲: ۶۲۲-۶۳۳). بنابراین می توان دوره صفویه را دوره کمال و شکوفایی مزارعی دانست که «مسکون» هستند و بر اساس نظام اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ویژه ای که اساس آن دین و مذهب است، مدیریت می شوند. بدیهی است که وقف، نقش پررنگی در پاسداری از رقبات دارد و حتی برای نازل ترین موضوعات در نگهداشت مزارع، برنامه ای قابل ملاحظه تدوین کرده است. در این دوره می توان به جمع بندی از سیر تحول مزارع مسکون در کلیه سطوح و نظام های اشاره شده، رسید.

بنابراین نظام تیول داری تا دوره قاجار ادامه یافت و پس از انقلاب مشروطه و لغای نظام تیول داری، طی فرآیند ناشی از این تحول، مزارع و روستاهای تیول داران پیشین به املاک شخصی آنها و دیگران تبدیل شد و از ره آورد آن بسیاری از مزارع، اربابی نام گرفتند و برخی دیگر، رعیتی خوانده شدند.^{۱۸} در دوره پهلوی اول نیز مزارع مسکون و اراضی بزرگ در جهت تأمین منافع دولت مردان و بوروکرات های صاحب مقام، ضبط و توزیع شد و نظام ارباب رعیتی شکل دیگری به خود گرفت.^{۱۹} (بشریه، ۱۳۹۳: ۵۲). در دوره پهلوی دوم اقداماتی چون اصلاحات ارضی در دهه ۱۳۴۰ شمسی نیز نتوانست مانع پراکندگی و از دست رفتن بسیاری از مزارع تابعه و مستقل شود و با تضعیف تولید کشاورزی عزیمت بسیاری از مالکان به خارج از کشور و شهرهای بزرگ، بسیاری از مزارع مسکون تاریخی نابود شده و شکل و کارکرد و ماهیت خود را از دست دادند و یا تبدیل به تفرج گاه های فصلی و ویلاقی شدند. تحولات اشاره شده در مناطق وسیعی از مرکز، شرق و جنوب ایران مانند یزد، اصفهان، کاشان، بیرجند، کرمان، خراسان، سمنان، و امثال آن به وقوع پیوست.^{۲۰}



تصویر ۵. تصویری از سند مبیاعه مزرعه «پیلک» مورخ ۱۰۸۵ ق.



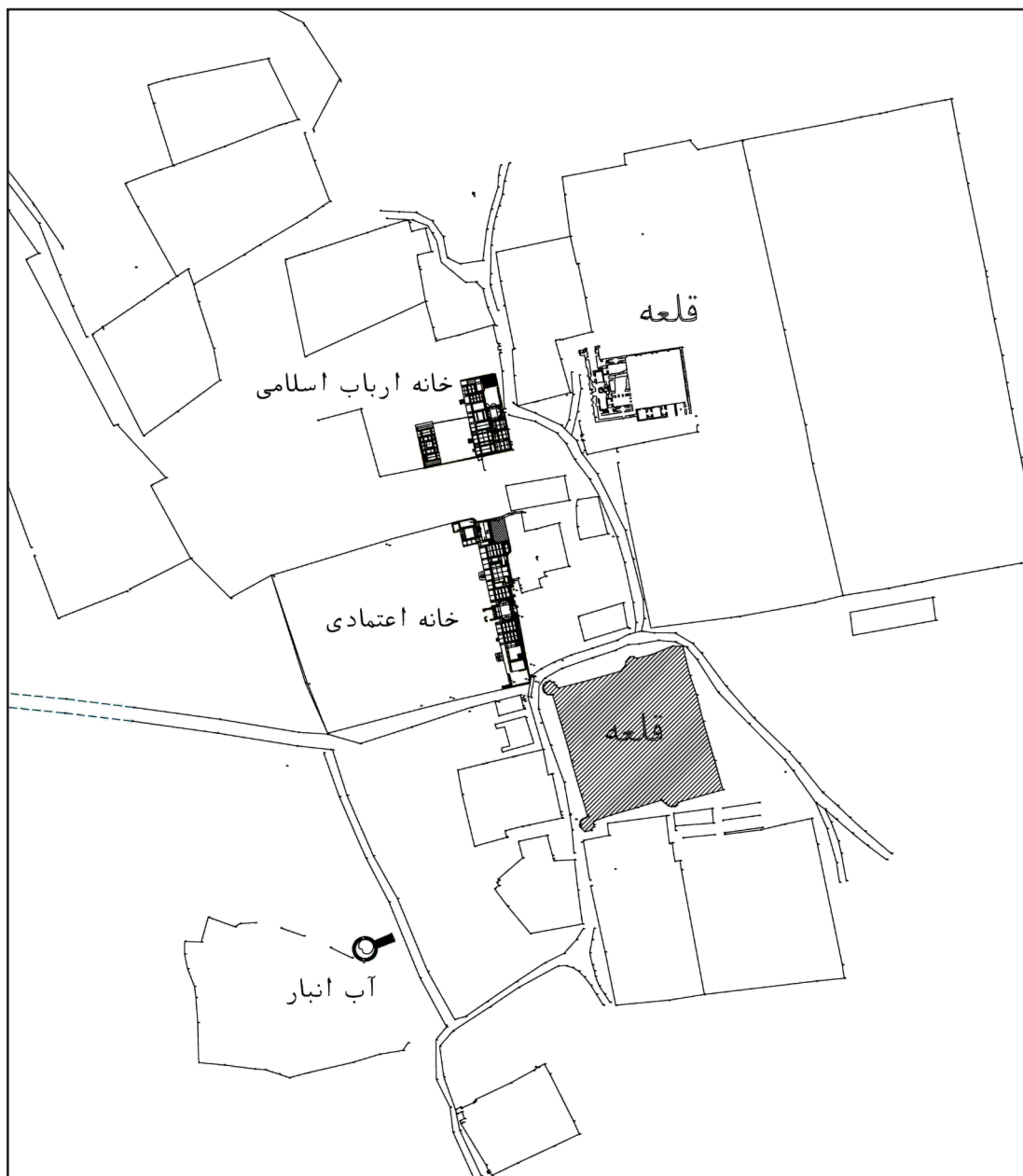
تصویر ۶. نقشه و عکس از مزرعه رحمت‌آباد یزد (مأخذ: مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان یزد، ۱۳۹۴). همان‌گونه که ایرج افشار نوشته این مزرعه، شامل قلعه کشت‌خوانی با لواحق و زمین‌های کشاورزی بوده است.



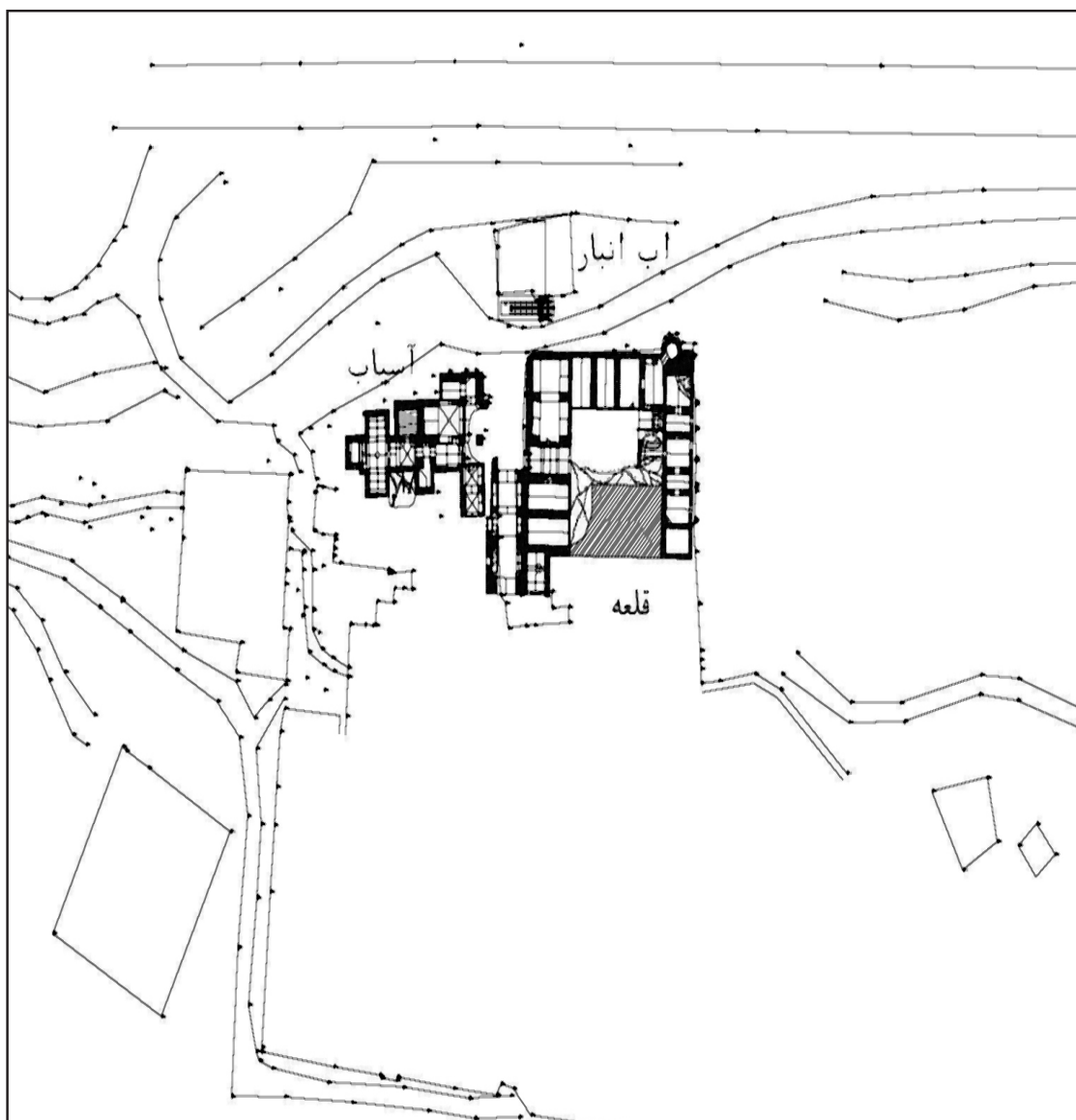
تصویر ۷. عکس هوایی از مزرعه طرازآباد یزد (مأخذ: google earth، ۱۳۹۴).

این مزرعه یک مجموعه کشت‌خوانی شامل قلعه اربابی و رعیتی، کوشک، زمین کشاورزی، اسطبل و دیگر عناصر خدماتی است. ارباب مزرعه پس از انقلاب کل مزرعه را به رعیت‌ها واگذار کرده و با خشکیدن قنات‌ها، مزرعه رو به ویرانی رفته و ساختار معماری آن متلاشی شده و هم‌اکنون تبدیل به آغل احشام شده است (مصاحبه با آقای کارگر، مالک کنونی مزرعه طرازآباد میبد، ۴۹۳۱).

قدمت این مزارع به دوره‌های پیش از قاجار برمی‌گردد و عناصری چون قلاع کشت‌خوانی، خانه‌های اربابی، آب‌انبار، آسیاب، شاه‌کوچه، و قطعه یا کشت‌خوان در آن وجود دارد.



تصویر ۸. نقشهٔ مزرعهٔ مسکون عباس‌آباد نیاسر (ترسیم از: راعی، ۱۳۸۷).



تصویر ۹. نقشهٔ مزرعهٔ مسکون سرنج نیاسر (ترسیم از: راعی، ۱۳۸۷).

نتیجه‌گیری

منابع و اسناد تاریخی و میدانی نشان می‌دهند که مزارع مسکون تاریخی در دوره‌های پیش و پس از اسلام، حضور اثرگذاری در حوزه‌های مختلف اشاره شده داشتند و با توجه به موقعیت جغرافیایی و وضع اقلیمی، با نام‌های مختلف دیده می‌شوند. همان‌گونه که بیان شد از گذشته تاکنون مزارع چه مسکون و چه غیر مسکون، دارای آداب و ویژه‌ای در نوع زراعت و کشاورزی بوده اند و به دلیل اقلیم نیمه‌خشک ایران، زراعت، مزرعه‌داری و فلاحت، همراه نزد حاکمان، خواص، و عوام از منزلت و اعتبار ویژه‌ای برخوردار بوده است.^{۲۳}

مزارع مسکون تاریخی در مناطق مرکزی ایران، مولود عوامل اثرگذار اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی در طول سالیان متمادی بوده است که در حال حاضر با توجه به فراموشی آنها در عرصه‌های مختلف، بخشی از تاریخ اقتصادی و اجتماعی و هویت فرهنگی کشور در این حوزه از بین خواهد رفت. اطلاعات و منابعی چون نظام مالی و دیوانی ویژه نظارت بر مزرعه‌های مسکون، نظام تولید و تقسیم آب و زمین، نظام بهره‌وری و نظام معماری حاکم بر آنها می‌تواند در آفرینش مزرعه‌های مسکون نو و حفاظت از انواع تاریخی آن مفید باشد.

اندوخته فراوانی از میراث شفاهی درباره مزارع مسکون تاریخی وجود دارد که بخش ناچیزی از آن با تلاش برخی از محققان و سیاحان مورد استخراج و تدوین شده، اما این منابع به طور کامل بررسی نشده است. داشته‌های علمی درباره این موضوع اندک است و فقط به ذکر نام مزارع و تشریح حدود و ثغور آنها از دیدگاه نگارندگان آن که اغلب سیاح و پژوهشگران حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، علوم اجتماعی، و کشاورزی بوده اند، بسنده شده است (کلاویخو، ۱۳۷۴؛ فرمانفرما، ۱۳۸۳؛ غلام‌حسین افضل‌الملک، ۱۳۶۰؛ محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۸). نبود منابع مستقل و به تبع آن دانش اندک جامعه معماری درباره مزارع پیش‌گفته به عنوان یکی از علل اصلی، موجب شده است که بسیاری از این گونه‌ها، در دوره‌های گذار و به‌ویژه پس از دوره پهلوی در فرآیند تبیین الگوهای معماری جدید نادیده گرفته شوند و به تدریج حذف شوند. وجود الگوهایی از مزارع مسکون اربابی، نشان از مصداق‌هایی در این باره دارد که فرآیند پژوهش را به سوی شناخت دقیق و درست از موضوع امیدوار کرده و در هدفمند کردن مسیر پژوهش و دستیابی به نتیجه ملموس مؤثر

با ارائه اجمالی کنش و واکنش‌های اجتماعی و اقتصادی اوایل دوره اسلامی تا دوره صفویه در ایران، می‌توان گفت که مزارع مسکون به عنوان بخش از ضیعات یک قصبه، در ادوار مختلف به عنوان اقطاع و تیول و سیورغال و یا عطیه به دیوانیان و لشکریان واگذار می‌شد. مزارع در این ادوار به دو صورت مستقل و تابعه و با مالکیت‌های چهارگانه (شاهی یا خالصه، دولتی یا دیوانی، وقفی، و شخصی) وجود داشتند (فوران، ۱۳۷۸: ۵۷). برخی از آنها موضع کشاورزی و برخی دیگر مسکون بودند. در همین بازه تاریخی، ابوبکر محمد بن جعفر نرشخی (قرن چهارم هجری) در کتاب *تاریخ بخارا* از کوشک‌هایی می‌گوید که با توجه به توضیحات وی به نظر می‌رسد که به مزارع مسکون مشابه باشد.^{۲۱} نرشخی (۱۳۶۳) و قمی (۱۳۸۵) در قرن چهارم هجری از مزارع و شیوه‌های مساحی و آبیاری آنها سخن به میان می‌آورند.^{۲۲} اسنادی در *جامع‌الخیرات* و *تاریخ یزد* در این باره آورده شده است. سیدحسن اعظم واقفی (۱۳۷۴) در کتاب *میراث فرهنگی نطنز، آثار تاریخی، آداب، سنت‌ها و تاریخ نطنز* در شرح مختصری از وقفنامه سیدواقف به سال ۸۵۷ق (عصر گورکانیان) و سند مبیاعه مورخ ۱۰۷۴ق درباره چندین مزرعه که به نظر می‌رسد، مسکون باشند، می‌نویسد. نتایج مطالعات موجود نشان می‌دهد که دستکرت‌های شاهنشاهی، کوشک‌هایی که نرشخی نام برده، مزارعی که حسن بن قمی از آنها یاد کرده، و دساگر و مجموعه‌های کشتخوانی مرکز ایران (ت ۷، ۸، ۹) که در اسناد حقوقی و دیوانی به آنها اشاره شده است و آنچه منابع دیگر آورده اند، گونه‌های مختلفی از مزارع مسکون بوده اند که تا دوره قاجار با فراز و نشیب به حیات خویش ادامه داده اند اما پس از الغای تیول‌داری در اواخر دوره قاجاریه و اصلاحات ارضی در دوره پهلوی دوم، به حلیض رفتند و تنها برخی از آنها در حال حاضر وجود دارند و قابل مشاهده هستند. از جمله مزارع مسکون نیاسر که توسط قمی در قرن چهارم هجری در کتاب *تاریخ قم* (۱۳۸۵) و کلانتر ضرابی در کتاب *تاریخ کاشان* (۱۳۲۵ق) معرفی شده اند (تصویر ۳)، مزارع مسکون قم که توسط افضل‌الملک (۱۳۵۵ق) تشریح شده است (تصویر ۱۰)، و مزرعه اربابی گورت اصفهان، مزارع شمس‌آباد، طرازآباد (تصویر ۷)، دهیوک، شاه‌آباد، کلانتر و ده‌شیخ یزد، قائمیه رفسنجان، مزرعه حاج حسن کوهپایه، مزرعه امامزاده علی‌اکبر گرمسار، مزرعه ملا و مزرعه فرمان، مزرعه مصدق در احمدآباد هشتگرد و بسیاری دیگر در مرکز و شرق و جنوب ایران بزرگ.



تصویر ۱۰. مزرعه مسکون دولت آباد قم که در کتابچه تفصیل و حالات دارالایمان قم نوشته افضل الملک (۱۳۵۵) درباره آن توضیحاتی آمده است، در گروه دساگر کشتخوانی قرار می گیرد و هنوز زندگی با سنت های باقی مانده از دوران پیشین (احتمالاً پیش از دوره قاجاریه) در مقیاس کوچکی در آن جریان دارد (مأخذ: راعی، ۱۳۹۴).

است.

علاوه بر آن در کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان (۱۹۷۲) و منشور فلورانس (۱۹۸۱) نیز بر اهمیت و ضرورت شناخت، فهم، معرفی، ثبت، و حفاظت از آثاری که بر اساس تعاریف مندرج در آنها در گروه مناظر فرهنگی قرار می‌گیرند، تأکید شده است (راهنمای اجرایی کنوانسیون میراث جهانی، ژانویه ۲۰۰۸: ۷۸-۷۹). بر اساس دسته‌بندی ارائه‌شده در راهنمای اجرایی این کنوانسیون، مزارع مسکون تاریخی قابلیت قرارگیری در گروه مناظر فرهنگی دسته اول را دارند.^{۲۴} این موضوع نشان‌دهنده توجه به این گونه‌ها در جوامع علمی و فرهنگی و آموزشی بین‌المللی است و می‌تواند اهمیت و ضرورت پژوهش درباره مزارع مسکون تاریخی در مجامع داخلی را تقویت کند.

بنا بر این مزارع مسکون به عنوان یک سند تاریخی و حقوقی قابل بررسی هستند و به عنوان یک الگوی معماری و مجتمع زیستی، این وجاهت را دارند که مطالعه و بازتعریف شوند. این گونه‌ها، قابلیت‌های معیشتی و اقتصادی فراوانی دارند که با توجه به نیازهای کشور، قابل احصاء هستند. کشور ما می‌تواند با توجه معیارهای ارائه‌شده در کنوانسیون، به ثبت آنها در فهرست میراث جهانی اقدام کند و با توجه به نیاز کشور به توسعه گردشگری فرهنگی، به احیای مزارع با کاربری‌های سازگار و منطبق بر اصول حفاظت بپردازد. البته کلیه موارد اشاره‌شده نیازمند فهم موضوع بر اساس مطالعات میدانی، تطبیقی^{۲۵} و سندپژوهی است.

پی‌نوشت‌ها

۱. بر اساس مطالعات میدانی و مصاحبه به این مجتمع‌های زیستی در کاشان «مزرعه»، در کرمان «دولاب»، در خراسان جنوبی «کلاته»، و در یزد «قلاع و مجموعه‌های کشتخوانی» و در برخی اسناد مکتوب یادشده «دست‌کرت» و «کوشک» گفته می‌شود.
۲. به عنوان نمونه می‌توان به «وقف‌نامه میرزا اسحق‌بیک یزدی»، مربوط به اواخر دوره صفوی در یزد (افشار، ۱۳۷۴ ج ۲: ۶۲۲-۶۳۳) و شرح وقف‌نامه‌های نطنز (اعظم واقفی، ۱۳۷۹) که در این مقاله به آن اشاره شده توجه کرد.
۳. پولاک، مزارع را در نظام مالکیت بر شش قسم دیده است. ۱. اربابی؛ ۲. رعیتی؛ ۳. وقف؛ ۴. خالصه؛ ۵. تیول؛ ۶. ملک شخصی (پولاک، ۱۳۶۱: ۳۵۱).
۴. عبدالحسین میرزا فرمانفرما در کتاب مسافرت‌نامه کرمان و بلوچستان ضمن بازدید از خالصجات شاهی، درباره نظام اجتماعی، اقتصادی و امنیتی موجود در مزارع نیز توضیح می‌دهد: «تمام این سیزده مزرعه را دراب سر می‌گویند و ریش‌سفید کل آنها علیرضاخان ضابط بشاگرد

است و به خود او هم مالیات نمی‌دهند و فقط تمکینی از او دارند که هر وقت علیرضاخان برای جنگ و جدال کمک و امدادی لازم داشته باشد تا هزار نفر مرد کاری می‌توانند بدهند و در همچو موقع از او همراهی و تقویت دارند» (فرمانفرما، ۱۳۸۳: ۳۶۱).

۵. از ژان ژاک روسو نقل شده است؛ «اولین کسی که قطعه زمینی را محدود ساخت، به فکرش رسید که بگوید اینجا مال من است و مردم هم این حرف را از او قبول کردند و مالکیت پدید آمد» (طباطبایی، ۱۳۵۱: ۲۷).

۶. بهره‌برداری از اراضی زراعی در ایران همواره به صورت تجمع بهره‌برداران یا زارعین، در واحدی به عنوان «مزرعه»، «روستا» یا «آبادی» بوده است (طالب و عنبری، ۱۳۸۷: ۱۴۲).

۷. در بخشی از گزارش شهرداد آمده است: «در سال ۱۳۴۷ ش در جریان مطالعات گروه جغرافیایی دانشگاه تهران که مشغول مطالعه دشت لوت بود، در بخش شرقی شهرداد امروزی (حد فاصل شهرداد و تکاب) به آثار و شواهدی از تمدن‌های کهن برخورد نمود که با اطلاع اداره کل باستان‌شناسی وقت و اعزام یک هیئت به سرپرستی مرحوم علی حاکمی، گروه باستان‌شناسی دشت لوت شکل گرفته و کاوش‌های باستان‌شناسی شهرداد آغاز شد و تا سال ۱۳۵۶ ش ادامه یافت و سپس دچار یک وقفه طولانی ۱۷ ساله گردید تا این که در سال ۱۳۷۳ ش گروه باستان‌شناسی دشت لوت در ادامه کاوش‌های گذشته، به سرپرستی میرعابدین کابلی، اولین فصل کاوش‌های خود و هشتمین فصل کاوش‌های شهرداد را آغاز نمود. این کاوش‌ها به مدت شش فصل دیگر تا سال ۱۳۷۸ ش ادامه پیدا کردند».

۸. نشانه‌های وابستگی به زمین تا اواسط قرن بیستم وجود داشته است (میرابوالقاسمی، ۱۳۵۹: ۷۰).

۹. نجبا معمولاً تیول‌داران بودند که بخشی از مملکت و یا ناحیه‌ای از طرف شاه به آنها واگذار می‌شد (کریمستین سن، ۱۳۷۴).

۱۰. اقطاع: زمینی را به تیول دادن (نغمه‌نامه دهخدا، ۱۳۲۵). در منابع مختلف درباره اهدای اقطاع و تیول و سیورغال از طرف سلاطین به حاکمان محلی اشاره شده است. اقطاع شامل زمین‌بخشی، یا واگذار کردن زمین از جانب قدرت مرکزی به فرد یا افراد بوده است. «تیول» و «سیورغال» انواعی از اقطاع محسوب می‌شدند که در مواردی دارای معنای مشابهی با اقطاع بوده اند. تیول‌داران معمولاً کسانی بودند که اجاره‌دار درآمدهای مالیاتی بودند (وژوکی، ۱۳۷۳ و سوداگر، ۱۳۵۷) و یا نرشی در تاریخ بخارا می‌نویسد: «... و آن دیهه (از جمله) خاصه (مملکه) سلطانی است و ابوالاحمد الموفق‌بن‌الله این دیهه را به مقاطعه داده بود به محمد بن طاهر که امیر خراسان بود و باز فروخت به سهل بن احمد الداغونی البخاری و بها گرفت» (نرشی، ۱۳۶۳: ۱۸).

۱۱. تیول‌داری به معنای تملک و تصرف و عمار و زمین‌داری. واگذار کردن دولتی خالصه‌ای از خالصه‌ها یا مالیات قریه‌ای را به یکی از نوکران خود در ازای مواجب او در تمام عمر (نغمه‌نامه دهخدا، ۱۳۲۵).

۱۲. نک: (سلطان‌زاده، ۱۳۶۵: ۶۵؛ مرتضوی تبریزی، ۱۳۸۳: ۲۷-۳۰).
۱۳. این گونه اراضی دستکرت (Dastkart) نامیده شده اند. اراضی مذکور

زمین‌های معمولی نیستند، بلکه املاک و قطعاتی از اراضی معمور و آباد به شمار می‌روند. این نکته روشن است که در ایران، املاک شاهنشاهی را دستکرت شاهی می‌نامیدند (پیگولوسکیا، ۱۳۶۷). دستکرت، برای مراقبت و نگهداری واگذار می‌شد تا همه هزینه‌های مربوط به مراقبت از جمله درآمد صاحب ملک و بهره مالکانه، طبق قرارداد پرداخت شود (همان، ۲۸۲-۲۸۳).

۱۴. روش اقطاع، در ابتدا به عنوان یکی از روش‌های اداری و بوروکراسی نضج یافت و سپس مبدل به یک روش نظامی شد. روش اقطاع با فتودالیزم اروپای غربی هم از حیث اصل و منشأ و هم به سبب اینکه افراد مقطع، اساساً هیچ وظیفه نظامی بر عهده نداشتند، فرق می‌کند. تیول‌داران مسلمان در شهرها تجمع و تمرکز یافته بودند، برخلاف فتودال‌های مغرب‌زمین که در قلاع به سر می‌بردند و از هم متفرق بودند. آن‌هم به سبب وضعیت بهتر پول و مسکوکات در بلاد اسلامی بود (لمبتون، ۱۳۴۵: ۱۲۲).

۱۵. معزالدوله پادشاه آل بویه سپاهیان خود را در خانه‌های مردم مسکن داد و بسیاری از املاک و زمین‌های مردم را غصب کرد (غنی و فیاض، ۱۳۲۴: ۲۰).

۱۶. اقطاع التملیک: خالصه و موروثی، اقطاعی که به اعضای خانواده سلطنتی می‌بخشیدند. معاف از خراج و مالیات و به شرط زراعت به افراد واگذار می‌شد.

اقطاع الاستغلال: غیر موروثی و به دو بخش دیوانی و لشکری تقسیم می‌شد. اقطاع دیوانی: معروف به طعمه، شامل حکومت بر ولایات و شبیه به اقطاع قرون اولیه اسلامی و اقطاع لشکری که جهت پرداخت حقوق به سپاهیان واگذار می‌شد (لمبتون، ۱۳۴۵: ۱۳۵).

۱۷. نک: «سیورغالی متعلق به قاسم بن جهانگیر آق قویونلو» در نشریه مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی، ج ۹، ش ۴، ص ۹۶۰.

۱۸. مزارعی که علاوه بر عناصر مسکونی و جمعیت ثابت، دارای عناصر خدماتی و مذهبی با معماری و ساختمانی غنی بوده در منابع مختلف به نام «مزارع مسکون» معرفی شده است. البته در برخی اوقات نیز به دلیل عدم حضور مالک در محل، مزارع به ضابطین و زارعین سپرده می‌شد و دارای عناصر خدماتی ویژه‌ای نبود و تنها به قلاع، پلاس و عناصر مسکونی محقری بسنده می‌گردید و «مزارع رعیتی» نامیده می‌شد.

۱۹. البته عده دیگری نیز مانند فتودال‌ها و سرمایه‌داران از این رهگذر بهره بردند و صاحب اراضی بیشتری شدند. در این دوره، قانون ثبت املاک و اسناد در سال ۱۳۱۰ ه.ش به تیول‌داری و اقطاع دولتی نقش خصوصی می‌بخشد و نظام ارباب-رعیتی به صورتی قانونی جلوه می‌کند. اصلاحات اراضی، تغییرات در ساختار نظام ارباب و رعیتی و یا به تعبیری نظام شبه‌فتودالی، زمینه را برای دگرگونی اجتماعی در مزارع و روستاهای ایران فراهم کرد (بشریه، ۱۳۹۳: ص ۵۲-۵۷).

۲۰. نجم‌الملک در سفرنامه خوزستان (۱۳۸۵)، اعتمادالسلطنه در مرآة البلدان (۱۳۶۸)، عبدالحسین میرزا فرمانفرما در کتاب مسافرت‌نامه کرمان و بلوچستان (۱۳۸۳)، و غلامحسین افضل‌الملک در سفرنامه خراسان و کرمان (۱۳۶۰) درباره مزارع مسکون اربابی و رعیتی و

جمعیت شناور، تعداد بنگاه، پلاس، میزان آبادانی و خصوصیات آنها مطالب بسیاری نوشته اند.

۲۱. نرخشی در یادداشت‌های خود می‌گوید: «حفری‌های واحه بخارا این گفته را تأیید می‌نماید، چون تعداد بی‌شماری از تپه‌ها در دشت وجود دارند که زمانی کوشک دهاقین بوده است» (نرخشی، ۱۳۶۳: ۲۲۱).

۲۲. حسن بن قمی در تاریخ قم آورده است: «...می‌باید که مساح، صور - که به زبان قم آن را مرز گویند - و سواقی و انهار را مساحت نکند و نیپماید و همچنین زمین‌های بایر و نامزروع نیپماید و چون در میانه زرع واقع شده باشد و مساحت کرده، بعد از آن اسقاط کند و آن را از حساب مساحت وضع کند» (قمی، ۱۳۸۵: ۱۵۸). و یا در جایی دیگر می‌نویسد: «...قهستان با مزارع شصت‌وسه دیه، وازه کرو در مزارع چهل‌وشش دیه، انار شصت دیه، ورادهار هفده دیه، جاست دوازده دیه، وزه با مزارع سی‌وسه دیه، جهرود با مزارع سی‌وهفت دیه، وادی اسحاق با مزارع سی‌وپنج دیه، قاسان با مزارع هفتادوهفت دیه و ...» (همان، ۸۴).

۲۳. در باب منزلت زراعت و مزرعه‌داری، در روایات، احادیث و اسناد تاریخی به تفصیل آمده است. ابونصر هروی در ارشاد الزراعه آورده است: «{...} و از سخنان عالی‌جناب، هدایت‌پناه، سعادت‌دستگاه سیداسماعیل گرگانی است که سبب بقای عالم چهار چیز است: اول امر دهقنت، دو صنعت اصحاب حرف، سوم سیاست و مهابت ملوک و سلاطین که نظام عالم و عالمیان به شمشیر است و چهارم علم علماء که سویت میان خلائق به قلم نگاه دارند و حساب‌های تواریخ که کافه خلائق بدان حاجتمند باشند به قلم ایشان باز بسته است.» (ابونصر هروی، ۱۳۶۴: ۸). و در جایی دیگر آورده است: «در حیوة الحیوان آورده که ابن عباس رضی‌الله فتوی داده که اگر کسی در مرض فوت وصیت کند که از مال من ثلثی به متوکل دهد، آن متوکل دهقان است و این دلالت می‌کند بر شرف زراعت که متوکل دهقان باشد» (همان، ۸).

۲۴. مناظر فرهنگی: آثار فرهنگی هستند که مطابق با تعریف ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۷۲م «تلفیقی از اثر انسان و طبیعت» هستند. این مناظر نشان‌دهنده تکامل جامعه بشری و سکونت انسان‌ها در گذر زمان هستند که تحت اثر محدودیت‌ها، فرصت‌های کالبدی و طبیعی و نیروهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی متوالی اعم از داخلی و خارجی تکامل یافته اند (راهنمای اجرای کنوانسیون میراث جهانی، ۲۰۰۸: ۱۲-۱۳).

مناظر فرهنگی به سه دسته اصلی تقسیم می‌شوند:

۲۵. دسته‌ای که شناسایی آنها از همه راحت‌تر است، مناظری روشن و مشخص هستند که بشر آنها را از روی قصد، طراحی و ایجاد کرده است و شامل باغ و بوستانی است که به خاطر زیبایی ایجاد شده و اغلب (ولی نه همیشه) مربوط به بناها و مجموعه‌های مذهبی و یادمانی دیگر است و مزارع نیز در این دسته جای می‌گیرد.

دسته دوم مناظری هستند که به صورت طبیعی تکامل یافته اند. این نوع منظر، حاصل یک جبر اولیه اجتماعی، اقتصادی، اداری، یا مذهبی است و صورت فعلی خود را در ارتباط با محیط طبیعی و

در واکنش به آن یافته است. صورت و ویژگی‌های اجزای این‌گونه مناظر، نشان‌دهنده فرایند تکامل اند. این نوع منظر به دو دسته تقسیم می‌شوند.

دسته آخر، مناظر فرهنگی یادآورانه هستند: ثبت چنین مناظری در فهرست میراث جهانی بر اساس یادآوری ارزش‌های نیرومند مذهبی، هنری یا فرهنگی عنصر طبیعی قابل توجیه است و نه بر پایه شواهد مادی فرهنگی که ممکن است بیهامیت بوده و یا حتی موجود نباشند (راهنمای اجرایی کنوانسیون میراث جهانی، ژانویه ۲۰۰۸: ۷۸-۷۹). در این باره نک: (University of Gloucestershire, 2006; Edwards, 2005; Koeppel, 2006; Freeman, 2010; Edwards and Lake, 2010; English Heritage, 2012; comber & Lim, 2006)

منابع

- آدمیت، فریدون. (۱۳۵۴). فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران. تهران: انتشارات پیام.
- آملی، شمس‌الدین محمد بن محمود. (۱۳۸۱). نفائس الفنون. تهران: چاپ اسلامیه.
- ابن فضلان. (۱۳۴۵). سفرنامه ابن فضلان. ترجمه ابوالفضل طباطبایی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابونصری هروی، قاسم بن یوسف. (۱۳۴۶). ارشاد الزراعه. به اهتمام محمد مشیری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- احمدی، حمید. (۱۳۸۴). قوم و قوم‌گرایی در ایران افسانه و واقعیت. چ ۵. تهران: نشر نی.
- ارژمند، فاطمه و وحید حیدری. (۱۳۸۷). «باغ بین‌راهی علی‌آباد قم». در گلستان هنر، ش ۱۲، ص ۷۵-۸۵.
- ادوارد پولاک، یاکوب. (۱۳۶۱). سفرنامه پولاک ایران و ایرانیان. ترجمه کیکاووس جهان‌داری. تهران: خوارزمی.
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم. (۱۳۴۰). مسالک و ممالک (ترجمه فارسی). به کوشش ایرج افشار. تهران: چاپخانه بانک ملی.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. (۱۳۶۸). مرآت البلدان. ج ۱ و ۴. به کوشش عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. (۱۳۶۳). المآثر و الآثار؛ چهل سال تاریخ ایران. ج ۳. به کوشش ایرج افشار. تهران: انتشارات اساطیر.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. (۱۳۶۳). مطلع الشمس، در تاریخ و جغرافیای مشروح بلاد و اماکن خراسان. ج ۲. به اهتمام تیمور برهان لیموده‌ی. تهران: انتشارات فرهنگسرا.
- اعظم واقفی، سیدحسن. (۱۳۷۴). میراث فرهنگی نطنز، آثار تاریخی، آداب، سنت‌ها و تاریخ نطنز. ج ۱. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- اعظم واقفی، سیدحسن. (۱۳۸۱). میراث فرهنگی نطنز. ج ۲. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.

- افشار، ایرج. (۱۳۷۴). یادگارهای یزد، معرفی ابنیه تاریخی و آثار باستانی شهر یزد. ج ۱ و ۲. چ ۲. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- افضل‌الملک، غلامحسین. (۱۳۶۰). سفرنامه خراسان و کرمان. به اهتمام قدرت‌الله روشنی. تهران: انتشارات توس.
- افضل‌الملک، غلامحسین. (۱۳۵۵). «کتابچه تفصیل و حالات دارالایمان قم». در فرهنگ ایران‌زمین، ش ۲۲، ص ۶۷-۱۵۰.
- الاصفهانی، محمد مهدی بن محمد رضا. (۱۳۶۸). نصف جهان فی تعریف الاصفهان. تصحیح منوچهر ستوده. چ ۲. تهران: انتشارات سپهر.
- امین لشکر، میرزا قهرمان. (۱۳۷۴). روزنامه سفر خراسان به همراهی ناصرالدین شاه (۱۳۰۰). به کوشش ایرج افشار و محمدرسول دری‌گشت. تهران: انتشارات اساطیر.
- انصاف‌پور، غلامرضا. (۱۳۵۵). تاریخ زندگی اقتصادی روستاییان و طبقات اجتماعی (از دوران ماقبل تاریخی تا پایان ساسانیان). تهران: نشر اندیشه.
- اواساتلنی، ماریا. (۱۳۸۷). «باغ ایرانی: واقعیت و خیال». ترجمه داود طبایی. در گلستان هنر، ش ۱۲، ص ۱۶-۲۹.
- باستانی راد، حسن. (۱۳۹۳). شهر در ایران زمین. تهران: انتشارات علم.
- بشیریه، حسین. (۱۳۹۳). «فروپاشی دولت مطلقه». ترجمه علی اردستانی. در مهرنامه، ش ۳۸، ص ۴۰.
- پیگولوسکیا، ن. (۱۳۶۷). شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان. ترجمه عنایت‌الله رضا. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- حسن‌آبادی، ابوالفضل. (۱۳۸۶). «نگاهی به اسناد سیورغال در دوره صفویه (بررسی اسناد سیورغال موجود در مرکز اسناد آستان قدس رضوی)». در فصلنامه گنجینه اسناد، ش ۶۷، ص ۷۰-۶۴.
- حسینی یزدی، سیدرکن‌الدین. (۱۳۴۱). جامع‌الخیرات. به کوشش ایرج افشار و محمدتقی دانش‌پژوه. تهران: انتشارات فرهنگ ایران زمین.
- حکمت یغمایی، عبدالکریم. (۱۳۶۹). بر ساحل کویر نمک. تهران: انتشارات توس.
- خسروی، شکوه و سجاد علی‌بیگی. (۱۳۸۷). «نگاره کشاورزان عصر آهن بر قطعه سفالی از رباط کریم تهران». در مجله باستان‌پژوهی، دوره جدید، ش ۵، ص ۱۴۳.
- دهقان‌نژاد، مرتضی و مولود ستوده. (۱۳۸۹). «فرمانگذاری خالصجات در اصفهان در دوره ناصرالدین شاه (تبدیل زمین‌های دولتی به اربابی به‌طور مشروط)». در فصلنامه گنجینه اسناد، دفتر سوم، ص ۸۰-۹۱.
- دهگان، ابراهیم. (۱۳۸۹). «دسکره». در فصلنامه گنجینه اسناد، دفتر سوم، ص ۱۹۹-۲۰۲.
- دفتر منطقه‌ای یونسکو. (۱۳۸۸). راهنمای اجرایی کنوانسیون میراث جهانی. ترجمه فرزین فردانش. تهران: دفتر منطقه‌ای یونسکو.
- رنه دالمانی، هانری. (۱۳۳۵). سفرنامه از خراسان تا بختیاری. ترجمه محمدعلی فره‌وشی. تهران: انتشارات امیرکبیر.

- سپنتا، عبدالحسین. (۱۳۴۶). *تاریخچه اوقاف اصفهان*. اصفهان: انتشارات اداره کل اوقاف منطقه اصفهان.

- سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۶۵). *مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران*. تهران: نشر آبی.

- سوافیلد، سایمون. (۱۳۹۰). *نظریه در معماری منظر*. ترجمه محسن فیضی و دیگران. تهران: انتشارات فرهنگ متین.

- سیستانی، ملک شاه حسین. (۱۳۴۴). *احیاء الملوك*. با اهتمام منوچهر ستوده. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

- شریف، علیاصغر. (بی تا). «لغو تیول و تیول‌داری». در بررسی‌های تاریخی، ش ۱، سال هشتم، ص ۷۹-۸۵.

- شفیع، محمدرضا. (۱۳۸۰). «قلعه نهچیر؛ میراثی از اوایل قاجار». در *فرهنگ اصفهان*، ش ۲۰، ص ۵۳-۵۹.

- شیخ‌الحکمایی، عمادالدین (و.). (۱۳۸۸). *اسناد معماری ایران*. دفتراول تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری.

- صفی‌نژاد، جواد. (۱۳۶۸). *بنه (نظام‌های زراعی سنتی در ایران)*. تهران: انتشارات امیرکبیر.

- طالب، مهدی. (۱۳۷۶). *مدیریت روستایی در ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- طالب، مهدی و موسی عنبری. (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی روستایی*. ج ۲. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- عندلیب، علیرضا. (۱۳۹۳). *روش تدوین پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکتری*. تهران: انتشارات آذرخش.

- فلاحت، محمدصادق و محمدحسن طالبیان. (۱۳۸۵). *منظرهای فرهنگی*. پایگاه میراث جهانی تخت جمشید.

- فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۳۴۶). *حداثات الانوار فی حقائق الاسرار*. به کوشش محمدحسین تسبیحی. تهران: بنیاد دائرةالمعارف اسلامی.

- فرمانفرما، عبدالحسین میرزا. (۱۳۸۳). *مسافرت‌نامه کرمان و بلوچستان*. به کوشش ایرج افشار. تهران: انتشارات اساطیر.

- فوران، جان. (۱۳۷۸). *مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی*. ترجمه احمد تدین. ج ۲. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

- فیگوئرا، دن گارسیا دسیلوا. (۱۳۶۳). *سفرنامه دن گارسیا دسیلوا فیگوئرا*. ترجمه غلامرضا سمیعی. تهران: نشر نو.

- قمی، حسن بن عبدالملک. (۱۳۸۵). *تاریخ قم*. تصحیح سیدجلال‌الدین تهرانی. قم: انتشارات زایر-آستانه مقدسه.

- کابلی، میرعابدین. (۱۳۵۲). *گزارش کاوش‌های باستان‌شناسی شهداد*. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.

- کاتب، احمدبن حسین بن علی. (۱۳۴۵). *تاریخ جدید یزد*. به کوشش ایرج افشار. تهران: انتشارات امیرکبیر.

- کریستن سن، آرتور. (۱۳۷۴). *وضع ملت و دولت و دربار در دوره شاهنشاهی ساسانیان*. ترجمه مجتبی مینوی. تهران: پژوهشگاه علوم

انسانی و مطالعات فرهنگی.

- کلانتر ضرابی، عبدالرحیم (سهیل کاشانی). (۱۳۳۵). *تاریخ کاشان*. به کوشش ایرج افشار. تهران: انتشارات امیرکبیر.

- کلاویخو، روی گنزالس. (۱۳۷۴). *سفرنامه کلاویخو*. ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

- گروت، لیندا و دیوید وانگ. (۱۳۹۲). *روش‌های تحقیق در معماری*. ترجمه علیرضا عینی‌فر. چ. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- لمبتون، ا. ک. س. (۱۳۴۵). *مالک و زارع در ایران*. ترجمه منوچهر امیری. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

- مستوفی بافقی، محمدمفید. (۱۳۴۲). *جامع مفیدی*. به کوشش ایرج افشار. تهران: انتشارات اسدی.

- مستوفی، حمدالله. (۱۳۲۰). *نزهة القلوب*. تصحیح محمدعلی فروغی.

- مرتضوی تبریزی، مسعود. (۱۳۸۳). *مهاجرت روستاییان به شهرها و تأثیرات اقتصادی و سیاسی آن در دوران پهلوی دوم*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

- مصباحی مقدم، غلامرضا و مهدی موحدی بکنظر و محمد جواد رضایی. (۱۳۸۹). «امکان‌سنجی فقهی استفاده از ابزار اقطاع و احیاء در فرآیند خصوصی‌سازی». در *فصلنامه علمی و پژوهشی اقتصاد اسلامی*، سال دهم، ش ۳۷، ص ۵-۲۸.

- موسوی، جمال. (۱۳۷۷). «قطاع در عهد پیامبر اسلام (ص)». در *مقالات و بررسی‌ها*، دفتر ۶۳، ص ۱۳۷-۱۵۲.

- موثقی، احمد. (۱۳۸۵). *نوسازی و اصلاحات در ایران (از اندیشه تا عمل)*. محل نشر؟: نشر قومس.

- نجم‌الملک، حاج میرزا عبدالغفار. (۱۳۸۵). *سفرنامه خوزستان*. به کوشش محمد دبیرسیاقی. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

- نرشی، ابوبکر محمد بن جعفر. (۱۳۶۳). *تاریخ بخارا*. ترجمه ابونصر احمد ابن محمد ابن نصر قبادی. تلخیص محمد بن زفر بن عمر. تصحیح و تحشیه محمدتقی مدرس رضوی. چ ۳. تهران: انتشارات توس.

- نعمانی، فرهاد. (۱۳۵۸). *تکامل فتودالیسم در ایران*. ج اول. تهران: انتشارات خوارزمی.

- نوری، محمدیوسف. (۱۳۸۱). *مفاتیح الارزاق*. تصحیح هوشنگ ساعدلو و مهدی قمی‌نژاد. چ ۳. تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

- نیکزاد امیرحسینی، کریم. (۱۳۵۶). *شناخت سرزمین چهارمحال*.

- همدانی، رشیدالدین ابوالفضل. (۱۳۵۶). *وقفنامه ربع رشیدی*. به کوشش مجتبی مینوی و ایرج افشار. تهران: سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران.

- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله. (۱۳۶۸). *آثار و احیاء*. به اهتمام منوچهر ستوده و ایرج افشار. زیر نظر مهدی محقق. تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل با همکاری دانشگاه تهران.

- Fazeli, Hassan, Young, Ruth. (2012). "Revolutionary Archeology or The Archeology of Revolution? Landlord villages of the Tehran Plain". in *Studies in Contemporary and Historical Archeology* 7, Chapter 8, pp.85-96.
- Freeman, Chantal. (2010). "West midlands farmsteads and Landscapes Project". in *summary Report, English Heritage*.
- Gaskell, Peter and Stephen Owen. (2006). *Historic Farm buildings: Constructing The Evidence base*.
- Koepfel, Christopher.(2006). " The Archeology of Agriculture, culture, and Economy in Indiana's History". in *Farmstead Archeology*.
- Lake, Jermy and Bob Edwards.(2006).*Historic Farmsteads.Preliminary character statement East Midlands/ West Midlands/ North East/ North West/ South East/ South West/ Yorkshire and The Humber Regions*. The countryside Agency Landscape Access Recreation and English Heritage.
- University of Sheffield. (2010). *Current use of Historic Farm Property in the west midlands: introduction and overview*.
- Alibaigi, S., and Sh, Khosravi. (2009). "Iron Age Ploughmen on a Potsherd from Tepe Gloestan, south of the Tehran Plain, Iran". in *Antiquity*, Vol. 83, No. 320, Project Gallery.
- comber, L and C. Lim. (2006). *Farmtourism: A Preliminary study of participant's Epectation and Perceptions of Farmtours*.
- Edvards, Bob and Jermy Lake. (2010). "West midlands farmsteads and Landscapes Project". in *summary Report, Advantage Westmidlands and English Heritage*.
- English Heritage. (2012).*The conservation of Traditional Farm buildings: Aguide to good practice*.
- English Heritage. (2012).*Living Building in a Living Landscape: Finding a future for Traditional Farm Building*.
- English Heritage. (2012).*Conservation Guidance note The Conservation of Historic Farm building*.
- Eshmidt, Frich Fridrich. (1963). *Flight over ancient cities of Iran, photograph of Esfahan*.